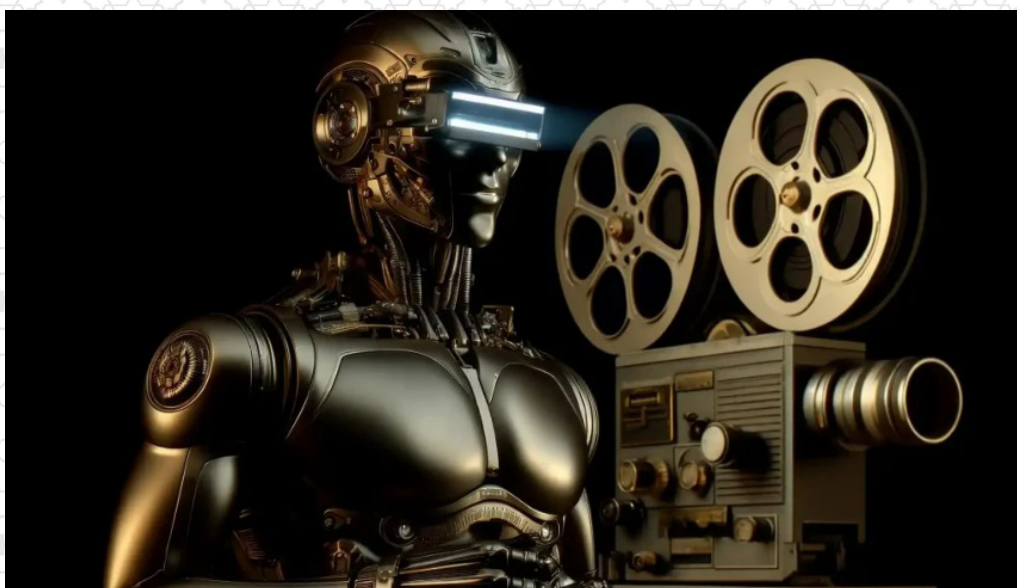


الزامات توسعه زیست‌بوم هوش مصنوعی در عرصه نمایش خانگی

(موضوع بند «ج» ماده (۶۵) قانون برنامه هفتم پیشرفت)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:

۱۴۰۵/۰۲/۰۸

شماره مسلسل:

۲۱۴۴۴



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

عنوان گزارش:

الزامات توسعه زیست‌بوم هوش مصنوعی در عرصه نمایش خانگی
(موضوع بند «ج» ماده (۶۵) قانون برنامه هفتم پیشرفت)

نوع گزارش: طرح/لایحه راهبردی نظارتی پیش‌نویس قانونی

نام دفتر:

مطالعات فرهنگی و آموزش (گروه فرهنگ عمومی، هنر و صنایع خلاق و گروه رسانه و فضای مجازی و ارتباطات جمعی)

تهیه و تدوین کنندگان:

حمزه امیری، راضیه شیروانی دستگردی

همکار:

عبدالرحیم قاسمی نژاد

مدیر مطالعه و ویراستار تخصصی:

رضا مستمع

ناظران علمی:

موسی بیات، سیدعلی محسنیان

ناظر علمی خارج از مرکز:

حسن صفرعلی (سرپرست آموزش و تعاملات بین‌الملل سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های
صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی)

اظهار نظر کنندگان:

محمد امین قاسمی پیربلوطی، ابوالقاسم رجبی (دفتر انرژی، صنعت و معدن)

اظهار نظر کنندگان خارج از مرکز:

شاهید مظفری (رئیس مرکز طرح، برنامه و بودجه سازمان صدا و سیما)، فیروز بهجت محمدی (قائم‌مقام معاونت
توسعه و فناوری رسانه سازمان صدا و سیما)

صفحه آرا:

سیده فاطمه ابوطالبی

ویراستار ادبی:

مژگان کاظمی

واژه‌های کلیدی:

۱. هوش مصنوعی
۲. نمایش خانگی
۳. فضای مجازی
۴. هنر
۵. رسانه

تاریخ شروع مطالعه:

۱۴۰۳/۱۰/۰۱



فهرست مطالب

۶	چکیده.....
۷	خلاصه مدیریتی.....
۹	۱. مقدمه.....
۱۳	۲. پیشینه در مرکز پژوهش‌ها.....
۱۵	۳. تحولات جهانی در زمینه کاربست هوش مصنوعی در صنعت نمایش خانگی.....
۱۵	۱-۳. ورود هوش مصنوعی به زنجیره ارزش صنعت نمایش خانگی.....
۱۶	۲-۳. زنجیره ارزش فناوری هوش مصنوعی و نسبت آن با تولید فرهنگی.....
۱۷	۳-۳. الگوهای سیاستگذاری و تنظیم‌گری تطبیقی.....
۲۲	۴. وضعیت جمهوری اسلامی ایران در سیاستگذاری و تنظیم‌گری هوش مصنوعی در صنعت نمایش خانگی.....
۲۲	۱-۴. وضعیت نهادی: بازیگران، ظرفیت‌ها و شکل حکمرانی.....
۲۲	۲-۴. وضعیت مقررات، قوانین و اسناد سیاستی.....
۲۳	۳-۴. تحلیل تطبیقی قوانین موجود ایران در ارتباط با هوش مصنوعی و محصولات فرهنگی.....
۲۵	۴-۴. چالش‌های حکمرانی.....
۲۶	۵. پیشنهادهای سیاستی برای حکمرانی هوش مصنوعی در صنعت نمایش خانگی ایران.....
۲۶	۱-۵. سیاستگذاری: طراحی کلان، تعیین نهادی و هم‌راستاسازی حوزه فناوری و فرهنگ.....
۲۷	۲-۵. تنظیم‌گری: بازتعریف قواعد حقوقی، نهادسازی مستقل و شفاف‌سازی الگوریتم‌ها.....
۲۸	۳-۵. ارائه خدمات: توسعه زیرساخت‌های بومی، توانمندسازی تولیدکنندگان و تسهیل ابزارهای فناورانه.....
۲۹	۴-۵. تسهیل‌گری: ظرفیت‌سازی میان‌بخشی، گفت‌وگوی اجتماعی و اتصال به شبکه‌های جهانی.....
۲۹	۵-۵. چشم‌انداز آینده.....
۳۱	پیوست‌ها.....
۳۳	منابع و مآخذ.....

فهرست جداول

۱۳	جدول ۱. تحلیل پیشینه پژوهشی در مرکز پژوهش‌ها.....
۲۰	جدول ۲. مقایسه تطبیقی کشورها در سیاستگذاری و تنظیم‌گری.....
۲۳	جدول ۳. تحلیل تطبیقی قوانین موجود ایران در ارتباط با هوش مصنوعی و محصولات فرهنگی.....
۳۰	جدول ۴. ماتریس تلفیقی سه‌گانه (کارکردهای حکمرانی × زنجیره ارزش محتوا × زنجیره ارزش هوش مصنوعی).....



الزامات توسعه زیست‌بوم هوش مصنوعی در حوزه نمایش خانگی (موضوع بند «ج» ماده (۶۵) قانون برنامه هفتم پیشرفت)

Doi:10.22034/mrc.report.21444

چکیده



تحول فزاینده و سریع هوش مصنوعی به‌عنوان یک فناوری عمومی و تحول‌آفرین، ساختارهای سنتی تولید، توزیع و مصرف فرهنگی را دگرگون کرده و چالش‌های نوینی را در حکمرانی فرهنگی پدید آورده است. در صنعت نمایش خانگی، هوش مصنوعی از سطح ابزار فنی فراتر رفته و به بازیگری مستقل در تولید، نویسندگی، الگوریتم‌های توصیه‌گر و حتی نقش‌آفرین بدل شده است. این تحول، بازتعریف مفاهیمی چون خلاقیت، مالکیت، اثر هنری و مسئولیت را ضروری کرده و نشان می‌دهد که حکمرانی در این عرصه صرفاً با تنظیم‌گری قابل تحقق نیست، بلکه نیازمند تلفیق چهار کارکرد سیاستگذاری، تنظیم‌گری، ارائه خدمات و تسهیل‌گری است.

در این پژوهش، موضوع از سه منظر کارکردهای نظام حکمرانی، زنجیره ارزش نمایش خانگی و زنجیره ارزش هوش مصنوعی مورد کنکاش قرار گرفته و یافته‌های پژوهش در شش سطح دسته‌بندی شده‌اند: حضور هوش مصنوعی در تمام زنجیره ارزش نمایش خانگی؛ الگوهای متفاوت حکمرانی بین‌المللی؛ حل و فصل ناکارآمدی ساختاری، خلأهای مقرراتی، چالش‌های اخلاقی، حقوقی و نهادی و مجموعه‌ای از پیشنهادها برای حکمرانی هوشمندانه. راهکارها شامل تدوین اسناد مکمل فرهنگی، استقرار تنظیم‌گری حرفه‌ای، بازیگری حقوق مالکیت فکری، توسعه زیرساخت‌های فناورانه، حمایت از تولیدات تلفیقی و ارتقای مشارکت صنفی و بین‌المللی است.

تحلیل نهایی تأکید دارد مواجهه مؤثر با هوش مصنوعی در فرهنگ نیازمند مدلی «مشارکتی، مسئولانه و یادگیرنده» است؛ مدلی که فناوری را ابزار توانمندساز خلاقیت انسانی می‌داند، نه جایگزین آن. چنین رویکردی با بازآفرینی سازوکارهای حکمرانی، هم‌راستاسازی سیاست‌های فناوری و فرهنگ و تقویت پیوند با بازارهای جهانی، تهدیدها را به فرصت بدل کرده و از هوش مصنوعی به‌عنوان موتور بازسازی و تحول‌آفرینی فرهنگی بهره‌برداری می‌کند.



بیان/شرح مسئله

در صنعت نمایش خانگی، هوش مصنوعی نه تنها به عنوان ابزار فنی، بلکه به عنوان کنشگر هنری و رسانه‌ای، الگوریتم توصیه‌ای و حتی جایگزین انسان در نقش آفرینی و نویسندگی ظاهر شده است. این تحول، مستلزم بازتعریف مفاهیمی چون «اثر هنری»، «خلاقیت»، «مالکیت»، «شخصیت فرهنگی» و «مسئولیت» در بستر حکمرانی فرهنگی است. چارچوب مفهومی این پژوهش نشان داد که حکمرانی در حوزه هوش مصنوعی و فرهنگ، تنها با تنظیم‌گری قابل تبیین نیست، بلکه به تلفیق چهار کارکرد کلیدی حکمرانی - شامل سیاستگذاری، تنظیم‌گری، ارائه خدمات و تسهیل‌گری - نیاز دارد. از این رو، تحلیل سیاستی باید هم‌زمان ناظر بر زنجیره ارزش صنعت تصویر، زنجیره ارزش فناوری هوش مصنوعی و مسائل چالش محور سیاستی باشد.

نقطه نظرات/یافته‌های کلیدی

یافته‌های اصلی پژوهش را می‌توان در شش سطح کلیدی صورت‌بندی کرد:

۱. در سطح زنجیره ارزش: هوش مصنوعی در تمامی مراحل زنجیره نمایش خانگی (از خلق تا مصرف) حضور یافته و مرز میان انسان و ماشین در خلاقیت را دگرگون کرده است.
 ۲. در سطح تطبیق بین‌المللی: کشورهای مدل‌های متفاوتی برای حکمرانی بهره گرفته‌اند؛ از مدل صنفی - قراردادی (آمریکا) تا حقوق محور (اتحادیه اروپا)، اخلاق محور (انگلیس) و امنیت محور (چین).
 ۳. در سطح نهادی: ساختار حکمرانی با پراکندگی نهادها، نبود تنظیم‌گری حرفه‌ای و حداقل مشارکت صنوف در فرایند تصمیم‌سازی مواجه است.
 ۴. در سطح مقرراتی: قوانین حق نشر، حقوق چهره، داده و شفافیت الگوریتمی در کشور با فقدان، عقب‌ماندگی یا ناترازی اجرایی مواجه‌اند.
 ۵. در سطح چالش‌های حکمرانی: پنج دسته چالش اصلی شناسایی شد: اخلاقی - فلسفی، حقوقی، اقتصادی - صنفی، نهادی - تنظیمی و مشروعیت عمومی.
 ۶. در سطح پیشنهادها: مجموعه‌ای از مداخلات سیاستی در چهار کارکرد حکمرانی طراحی شد که ترکیبی از اصلاح ساختار، نهادسازی، مقررات‌گذاری، توسعه زیرساخت و تسهیل مشارکت را شامل می‌شود.
- تحلیل حاضر نشان می‌دهد که حکمرانی هوش مصنوعی در حوزه نمایش خانگی، با دو تهدید هم‌زمان مواجه است: فناوری‌های منفعلانه از یک سو و فناوری‌زدگی بی‌قاعده از سوی دیگر. مسیر بهینه، در میان این دو، «حکمرانی مسئولانه، مشارکتی و یادگیرنده» است؛ مدلی که فناوری را ابزار می‌بیند، نه مقصد و خلاقیت انسانی را به جای حذف، در موقعیت توانمندسازی قرار می‌دهد.

پیشنهاد راهکارهای تقنینی، نظارتی و سیاستی

سیاستگذاری: طراحی کلان، تعیین نهادی و هم‌راستاسازی حوزه فناوری و فرهنگ

نخستین گام برای مواجهه فعال با تحولات هوش مصنوعی در صنعت نمایش خانگی، طراحی سیاست‌های کلان منسجم، میان‌بخشی و مبتنی بر شناخت دو گانه زنجیره فناوری و زنجیره تولید فرهنگی است. در کشورمان، به رغم وجود سند ملی توسعه هوش مصنوعی، ملاحظات فرهنگی، حقوق خلاقیت و هنری و پیامدهای رسانه‌ای این فناوری به‌طور جدی در سیاستگذاری کلان لحاظ نشده‌اند. از این رو، اقدام‌های ذیل ضروری است:

■ تدوین سند مکمل «راهبرد ملی هوش مصنوعی در حوزه‌های فرهنگی» توسط شوراهای بالادستی با تمرکز بر سینما، موسیقی و سکوها



ضروری است. این سند باید نحوه استفاده از هوش مصنوعی در خلق، توزیع و مصرف فرهنگی را تعیین کرده و اخلاق و حقوق جامعه را مدنظر قرار دهد.

■ تعریف مفهوم «اثر تولیدشده با مشارکت هوش مصنوعی» برای تفکیک آثار انسانی، ترکیبی و ماشینی در سیاستگذاری فرهنگی اهمیت دارد.
■ مأموریت نهادهای سیاستگذار باید بازبینی شده و در تعریف نقش جدید نهادهایی مانند معاونت علمی، فناوری و دانش بنیان و مرکز ملی فضای مجازی نقش فعال تری ایفا کنند.

■ تشکیل کارگروه‌های سیاست پژوهی با حضور نهادهای فرهنگی، دانشگاهیان و سکوها، هماهنگی نهادی و تدوین دستور کارهای تحولی در مجامع تصمیم‌ساز را تسهیل می‌کند.

■ حمایت مالی از پروژه‌های تلفیقی با مشروط‌سازی به اصول اخلاقی، شفافیت و مشارکت انسانی، توسعه کاربردهای بومی و اخلاق مدار، توسعه منطقی هوش مصنوعی را سرعت می‌بخشد.

تنظیم‌گری: باز تعریف قواعد حقوقی، نهادسازی مستقل و شفاف‌سازی الگوریتم‌ها

تنظیم‌گری در عصر فناوری‌های مولد، دیگر صرفاً به معنای اعمال کنترل از بالا نیست، بلکه فرایندی است میان کنشگرانه که باید میان خلاقیت، سلامت فرهنگی و هنری و عدالت رسانه‌ای توازن برقرار کند. در این حوزه با برخی خلأهای حقوقی، نهادی و ابزاری مواجه‌ایم. لذا برای ارتقای کیفیت تنظیم‌گری، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

■ تعبیه تنظیم‌گری تخصصی برای رسانه‌های هوش مصنوعی-محور لازم است؛ مجموعه‌ای میان بخشی با توان مقرر گذاری، رتبه‌بندی و رسیدگی به تخلفات با ساختار شفاف و صنفی.

■ بازنگری قوانین مالکیت فکری برای پوشش حقوق تصویر، صدا و هویت رقومی (دیجیتال)، با الزام رضایت آگاهانه و مجازات تخلفات، ضروری است.

■ وضع مقررات برچسب‌گذاری محتوای تولیدشده با هوش مصنوعی برای شفاف‌سازی و نظارت بر ابزارهای مورد استفاده در سکوها الزامی است.

■ شفاف‌سازی عملکرد الگوریتم‌های پیشنهادگر باید قانونمند شود؛ سکوها باید اطلاعاتی در مورد منطق انتخاب محتوا و سوگیری‌ها ارائه دهند.

■ تدوین آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای تولید محتوا با هوش مصنوعی، با مشارکت صنفی و حمایت و نظارت دولتی، می‌تواند از تعارض‌ها جلوگیری کند.

ارائه خدمات: توسعه زیرساخت‌های بومی، توانمندسازی تولیدکنندگان و تسهیل ابزارهای فناورانه

ارائه خدمات در حکمرانی فرهنگی صرفاً به معنای حمایت مالی یا تخصیص بودجه نیست، بلکه فراهم کردن زیرساخت‌ها، ابزارها و ظرفیت‌هایی است که بازیگران مختلف-اعم از هنرمندان، سکوها، شرکت‌های دانش بنیان و گروه‌های مستقل- بتوانند به شیوه‌ای مسئولانه و نوآور از فناوری استفاده کنند:

■ ایجاد پایگاه داده فرهنگی ملی برای آموزش مدل‌های بومی هوش مصنوعی، با لحاظ حقوق پدیدآورندگان و معیارهای اخلاقی، ضرورت دارد. جزئیات این اقدام باید توسط سازمان ملی هوش مصنوعی تعیین شود.

■ حمایت از تولید رابطه‌های برنامه‌نویسی کاربردی خلاق برای استفاده هنرمندان در تولید هنری، فیلمنامه‌نویسی، جلوه‌های ویژه و تحلیل مخاطب، فضای نوآورانه تری را فراهم می‌کند.

■ تأسیس مراکز نوآوری میان‌رشته‌ای در دانشگاه‌های هنری، رسانه‌ای و مهندسی کشور، بستری برای پرورش هنرمندان آشنا با هوش مصنوعی ایجاد می‌کند.

■ تدوین نظام اعتبارسنجی آثار تولیدشده با هوش مصنوعی به عنوان مکمل مجوزدهی سنتی، با معیارهایی چون اصالت، شفافیت و مخاطب‌پسندی، الزامی است.

تسهیل‌گری: ظرفیت‌سازی میان‌بخشی، گفت‌وگوی اجتماعی و اتصال به شبکه‌های جهانی

تسهیل‌گری در حکمرانی فرهنگی به معنای ایجاد فضا، انگیزش و ساختار برای همکاری داوطلبانه، نوآورانه و میان‌رشته‌ای است. این فضا نیازمند رویکرد تسهیل‌گرانه در مواجهه با فناوری‌هایی است. در این چارچوب:

■ صنوف باید با آموزش حقوقی و فناوری، به عنوان سیاست‌یار در فرایند سیاست‌گذاری وارد شوند، نه صرفاً ذی‌نفع.

■ برنامه‌های سواد فرهنگی-فناورانه برای آگاه‌سازی مخاطبان نسبت به محتوای مصنوعی، جعل عمیق و حقوق کاربران باید توسط رسانه‌ها، وزارت آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سمن‌ها اجرا شود.

■ تأسیس رصدخانه ملی هوش مصنوعی در فرهنگ و رسانه برای پیش‌فناوری، ریسک‌های اخلاقی و ارائه هشدارهای سیاستی، ضرورتی آینده‌نگر است. این رصدخانه می‌تواند توسط سازمان ملی هوش مصنوعی، فعالان این صنعت یا نهادهای مشاوره سیاستی ایجاد و راهبری شود.

۱. مقدمه

۱-۱. تبیین مسئله

در دهه‌های اخیر، فناوری‌های نوظهور به‌ویژه هوش مصنوعی دگرگونی‌های بنیادینی در الگوهای تولید، توزیع و مصرف محصولات فرهنگی پدید آورده‌اند. صنعت نمایش خانگی به عنوان یکی از شاخص‌ترین مصادیق اقتصاد خلاق، در خط مقدم این تحولات قرار دارد. استفاده از الگوریتم‌های یادگیری عمیق، بازیگران مجازی، تولید خودکار صدا و تصویر، ابزارهای تدوین هوشمند و نیز سامانه‌های توصیه‌گر محتوا، نمونه‌هایی از ورود هوش مصنوعی به زنجیره ارزش نمایش خانگی‌اند. طبق یک نظر سنجی بین‌المللی که توسط شرکت لوسیدور کس^۱ انجام شده، ۹۶ درصد از تصمیم‌گیرندگان در شرکت‌های سرگرمی فیلم و تلویزیون اعلام کرده‌اند که قصد دارند سرمایه‌گذاری خود را در زمینه هوش مصنوعی مولد افزایش دهند. به عنوان مثال، در شرکت نتفلیکس^۲، مدیران محصولات هوش مصنوعی، حقوق سالیانه‌ای بین ۳۰۰,۰۰۰ تا ۹۰۰,۰۰۰ دلار آمریکا دریافت می‌کنند. این موضوع نشان‌دهنده نگرش بسیار مثبت نتفلیکس نسبت به فناوری هوش مصنوعی است؛ چرا که این شرکت به‌طور فعال در حال استخدام متخصصان در این زمینه است. همچنین، شرکت‌های پیش‌روی نظیر دیزنی و نتفلیکس، با به‌کارگیری هوش مصنوعی به عنوان ابزاری برای بهینه‌سازی تولید محتوا و ارتقای تجربه کاربری، اهمیت بنیادین این فناوری در صنعت سرگرمی جهانی را به اثبات رسانده‌اند [۱]. در چنین بستری، مرزهای میان تولید انسانی و تولید ماشینی، بازتعریف شده و ماهیت خلاقیت، نقش مؤلف و حقوق مخاطب با پرسش‌های نوینی مواجه شده است [۲] [۳]. با گسترش کاربردهای هوش مصنوعی، تعادل سنتی میان نقش‌آفرینان این صنعت (نویسنده، کارگردان، تدوین‌گر، بازیگر، توزیع‌کننده و مخاطب) دچار تغییر شده و این امر مستلزم بازاندیشی در الگوهای سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری فرهنگی است. در غیاب قواعد روشن، خطرهایی همچون تضعیف اصالت هنری، نقض حقوق مالکیت فکری، گسترش محتوای جعلی، نابرابری در دسترسی به ابزارهای تولید و سلطه سکوه‌های جهانی بر بازار فرهنگ داخلی، تشدید می‌شوند [۴] [۵]. از سوی دیگر،

۱. شرکت Lucidorex یک شرکت فعال در حوزه فناوری هوش مصنوعی مولد (Generative AI) است که به‌ویژه در بخش تولید صنعتی متمرکز است.

2. NETFLIX



ظرفیت‌های هوش مصنوعی در تقویت خلاقیت، کاهش هزینه تولید و رونق بازار مخاطب نیز فرصتی راهبردی برای سیاستگذاران فرهنگی به شمار می‌رود [۶]. بر این اساس، فهم دقیق نسبت میان هوش مصنوعی و حکمرانی فرهنگی و طراحی چارچوب‌های تنظیم‌گری مؤثر و مشارکتی، ضرورتی انکارناپذیر در مواجهه با آینده صنعت نمایش خانگی است.

۱-۲. اهمیت موضوع

موضوع حکمرانی هوش مصنوعی در خدمات رسانه‌ای جدید به دلایل متعددی واجد اهمیت نظری و عملی است. از یک سو، این حوزه در تقاطع سه میدان کلیدی قرار دارد: فناوری‌های رقومی (دیجیتال)، اقتصاد خلاق و سیاستگذاری فرهنگی. از سوی دیگر، الگوهای کلاسیک تنظیم‌گری (مانند ممیزی محتوا یا مجوز دهی متمرکز) کارآمدی خود را در مواجهه با فناوری‌های نوین از دست داده‌اند و نیاز به الگوهای جدید مبتنی بر حکمرانی چندسطحی، مشارکتی و انعطاف‌پذیر بیش از پیش احساس می‌شود [۷]. در سطح ملی، ورود هوش مصنوعی به صنعت تصویر کشور، از جشنواره‌های رسمی گرفته تا سکوه‌های خصوصی، به رغم محدود بودن زیرساخت‌ها، با شتابی محسوس همراه است. با این حال، نبود چارچوب حقوقی و سیاستی مشخص برای تفکیک نقش انسان و ماشین و نیز ضعف تنظیم‌گری نهادی، موجب شده است تا بسیاری از مداخله‌ها از جنس واکنش‌های مقطعی یا فناوری‌ها رسانه باشند. بررسی تطبیقی تجربه کشورهای دیگر و بومی‌سازی آن با در نظر گرفتن زمینه فرهنگی و حقوقی کشور ما، می‌تواند بنیان تحلیلی مستحکمی برای مواجهه فعال با این پدیده فراهم آورد. با همه اینها بند «ج» ماده (۶۵) قانون برنامه هفتم پیشرفت دولت را مکلف کرده است که «برنامه ملی توسعه هوش مصنوعی» را با رعایت سیاست‌های کلی نظام، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی اجرایی کند. در این تکلیف قانونی هدف از اجرای این برنامه «حمایت از توسعه زیست‌بوم تحول‌آفرین هوش مصنوعی قابل اعتماد و پایدار و برای تعیین چارچوب‌ها و سازوکار تعامل تمامی ذی‌نفعان، فراهم کردن دانش و زیرساخت‌های دانش فنی، اجتماعی، اخلاقی و حقوقی، ترویج و افزایش آگاهی در مورد کارکردهای هوش مصنوعی در زمینه‌های مختلف و خطرهای بالقوه آن» تعیین شده است.

۱-۳. هدف پژوهش

هدف اصلی این گزارش، تحلیل سیاستگذاری و تنظیم‌گری هوش مصنوعی در صنعت نمایش خانگی با تمرکز بر ایران و در پرتو تحولات جهانی است. این هدف از طریق طراحی چارچوبی تحلیلی برای شناسایی مداخلات مطلوب در سطوح مختلف حکمرانی (سیاستگذاری، تنظیم‌گری، ارائه خدمات و تسهیل‌گری) و در تقاطع دو زنجیره ارزش (فیلم/سریال و فناوری هوش مصنوعی) دنبال می‌شود.

۱-۴. پرسش‌های پژوهش

گزارش حاضر در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است: هوش مصنوعی در کدام مراحل از زنجیره ارزش صنعت نمایش خانگی مداخله می‌کند و این مداخله چه پیامدهایی دارد؟ کشورهایی همچون چین، ایالات متحده، اتحادیه اروپا و انگلیس چه الگوهایی را برای حکمرانی و تنظیم‌گری هوش مصنوعی در صنعت هنر و رسانه اتخاذ کرده‌اند؟ چه چارچوب مفهومی می‌تواند نسبت میان فناوری، خلاقیت و حکمرانی را در ایران تحلیل کند؟ چه مداخلاتی در چهار کارکرد کلیدی حکمرانی (سیاستگذاری، تنظیم‌گری، ارائه خدمات، تسهیل‌گری) برای مواجهه مؤثر با این پدیده قابل پیشنهاد است؟

۱-۵. روش و رویکرد پژوهش

این پژوهش از منظر روش‌شناسی، رویکردی تحلیلی-مفهومی اتخاذ کرده و بر تلفیق ادبیات نظری حکمرانی فناوری، مطالعات فرهنگی و سیاستگذاری عمومی استوار است. بخش تطبیقی آن مبتنی بر تحلیل اسنادی و مطالعه موردی الگوهای بین‌المللی بوده، در حالی که بخش ایران، بر تحلیل نهادی، بررسی ظرفیت‌ها و شکاف‌های سیاستی و استخراج پیشنهادها عملی برای حکمرانی

چندسطحی استوار خواهد بود.

رویکرد و روش مورد استفاده در این تحقیق که به صورتی بدیع و نوآورانه و برای تحصیل راهکارهای عینی و در عین حال دقیق برای صورت مسئله طراحی و پیاده شده است می‌تواند در سایر حوزه‌های کاربردی هوش مصنوعی که از مسائل اولویت‌دار و مبتلابه امروزین نظام سیاستگذاری و تقنینی کشور است، مورد استفاده قرار گیرد.

پژوهش حاضر، با هدف تبیین الزام‌های کاربرد هوش مصنوعی در صنعت فیلم و سریال برخط، بر یک رویکرد چندلایه و تلفیقی استوار است که سه سطح تحلیلی را در یک چارچوب یکپارچه گرد هم می‌آورد: کارکردهای حکمرانی در حوزه رسانه، زنجیره ارزش فیلم و سریال برخط و زنجیره ارزش هوش مصنوعی. انتخاب این سه منظر از آنجا ناشی می‌شود که کاربردهای نوظهور هوش مصنوعی در صنعت محتوا تنها زمانی قابل تحلیل هستند که هم «بافت حکمرانی» و هم «فرایندهای تولید محتوا» در کنار «معماری فنی و چرخه ارزش فناوری» به صورت هم‌زمان بررسی شوند. بر همین اساس، روش مطالعه این پژوهش ترکیبی از تحلیل مفهومی، مرور نظام‌مند منابع و مقایسه تطبیقی چارچوب‌های موجود است [۸].

در نخستین بخش از روش مطالعه، تمرکز بر «کارکردهای حکمرانی» به مثابه نقطه عزیمت کلیدی قرار گرفته است. ادبیات حکمرانی فناوری به ویژه در حوزه‌هایی همچون هوش مصنوعی، نشان می‌دهد که تحلیل پیامدهای جدید فناوری بدون در نظر گرفتن نقش‌هایی چون سیاستگذاری، تنظیم‌گری، ارائه خدمات عمومی و تسهیل‌گری، ناقص خواهد بود [۱۶ و ۱۸]. این پژوهش از تقسیم‌بندی چهارگانه کارکردهای حکمرانی بهره می‌گیرد تا نشان دهد هر کاربرد هوش مصنوعی چگونه با یک یا چند نقش حاکمیتی، پیوند پیدا می‌کند. به عنوان نمونه، طراحی چارچوب‌های تضمین کیفیت داده و الگوریتم‌ها ذیل نقش تنظیم‌گری قرار می‌گیرد، در حالی که سکوسازی (ساخت سکوی) محتوایی یا زیرساختی بیشتر به نقش تسهیل‌گری مربوط است. در این مسیر، پژوهش با بهره‌گیری از روش «تحلیل کارکردی حکمرانی» تلاش می‌کند میان الزام‌های فنی هوش مصنوعی و سازوکارهای حکمرانی هنر و رسانه پیوند برقرار کند؛ رویکردی که در اسناد بین‌المللی تنظیم‌گری این بخش نیز پیشنهاد شده است [۱۰].

در بخش دوم روش، از چارچوب «زنجیره ارزش فیلم و سریال برخط» به عنوان ساختار تحلیلی مکمل استفاده شده است. بر اساس مطالعات اقتصاد فرهنگ و اقتصاد خلاق، از جمله پژوهش‌های کانینگام صنعت محتوای برخط ماهیتی چندمرحله‌ای دارد [۹ و ۱۲]: ایده‌پردازی و توسعه محتوا، پیش تولید، تولید، پس تولید، توزیع دیجیتال (رقومی)، بازاریابی و تعامل و در نهایت تحلیل داده و مخاطب. در این پژوهش، زنجیره ارزش به مثابه بستری برای جانمایی کاربردهای هوش مصنوعی به کار رفته است. به عبارت دیگر، هر مرحله از زنجیره ارزش به طور جداگانه تحلیل شده تا مشخص شود هوش مصنوعی چه نقشی در تحول آن دارد: از نگارش فیلمنامه مبتنی بر مدل‌های زبانی تا تدوین خودکار، از شخصی‌سازی توزیع محتوا تا تحلیل داده‌های بیننده. این رویکرد مبتنی بر تحلیل مرحله‌محور به پژوهش امکان می‌دهد به جای بررسی کلی‌نگر، تصویری دقیق و خرد از نقاط مداخله هوش مصنوعی ارائه کند. انتخاب این رویکرد به ویژه از آن جهت اهمیت دارد که بسیاری از چالش‌ها - مانند مسائل حقوقی داده‌بازیرگان، حقوق مولفین، یا سوگیری‌های الگوریتمی - تنها در یک مرحله خاص از زنجیره ارزش قابل مشاهده می‌شوند [۱۷].

سومین رکن روش‌شناسی این پژوهش، «زنجیره ارزش هوش مصنوعی» است؛ یعنی چرخه‌ای که از جمع‌آوری و حکمرانی داده آغاز شده، به توسعه مدل‌ها و الگوریتم‌ها، سپس استقرار در محیط‌های عملیاتی و در نهایت کنترل مخاطرات و نظارت الگوریتمی ختم می‌شود. ادبیات تخصصی هوش مصنوعی نشان می‌دهد که هر کاربرد هوش مصنوعی اساساً تابع الزام‌های سه‌گانه داده، مدل و استقرار است [۱۴] [۱۶]. پژوهش حاضر با در نظر گرفتن این چرخه ارزش، انواع کاربردهای هوش مصنوعی در فیلم و سریال برخط را در چارچوبی تحلیلی می‌کند که به پرسش‌های بنیادین پاسخ می‌دهد: برای تحقق یک قابلیت، چه داده‌هایی لازم است؟ چه الگوریتم یا مدل‌هایی به کار می‌روند؟ چه سازوکارهایی برای مسئولیت‌پذیری، شفافیت و اطمینان مورد نیاز است؟ و این الزام‌ها



چگونه با الزام‌های حکمرانی و چرخه ارزش صنعت محتوا هم‌پوشانی پیدا می‌کند؟

در گام بعد، این سه منظر (کارکردهای حکمرانی، زنجیره ارزش محتوایی و زنجیره ارزش هوش مصنوعی) با یک روش «پیونددهی میان رشته‌ای» ترکیب شده‌اند. در این رویکرد، ابتدا مفاهیم کلیدی از هر سه حوزه استخراج شده، سپس در قالب یک ماتریس تلفیقی قرار گرفته‌اند تا نقاط اتصال و تعارض میان آنها مشخص شود. به عنوان مثال، کاربردهایی نظیر شخصی سازی محتوا در مرحله توزیع، در سطح هوش مصنوعی وابسته به مدل‌های یادگیری ماشین و حجم بزرگی از داده مخاطبان است؛ اما در سطح حکمرانی، این قابلیت مشمول تنظیم‌گری حریم خصوصی و شفافیت الگوریتم‌ها می‌شود. این نوع تحلیل ارتباطی به پژوهش اجازه داده است الزام‌ها را به صورت هم‌زمان از زاویه فناوری، صنعت و حاکمیت بررسی کند و از فروکاهش مسئله به یک بعد خاص پرهیز کند؛ روشی که در ادبیات سیاست‌گذاری فناوری‌های تحول‌آفرین نیز توصیه شده است [۱۱].

همچنین، برای تحلیل دقیق‌تر آثار و الزام‌های هوش مصنوعی، پژوهش از رویکرد تحلیل پیامد بهره گرفته است. براساس این رویکرد، هر کاربرد هوش مصنوعی از حیث پیامدهای اقتصادی (کاهش هزینه یا افزایش بهره‌وری)، پیامدهای فرهنگی-اجتماعی (اثر بر تنوع فرهنگی، سوگیری‌های الگوریتمی)، و پیامدهای حکمرانی (تغییرات در نقش تنظیم‌گر، اهمیت استانداردهای جدید، شکل‌گیری ریسک‌های جدید) تحلیل شده است. استفاده از این روش به پژوهش امکان داده است که از سطح «توصیف کاربردها» فراتر رفته و به سطح «الزام‌های اجرایی و حکمرانی» برسد. این رویکرد مبتنی بر استانداردهای متداول تحلیل آثار تنظیم‌گری^۱ در حوزه فناوری است [۱۵].

در مجموع، روش مطالعه این پژوهش یک چارچوب ترکیبی چندسطحی ایجاد کرده است که امکان فهم پیوستار کاملی را فراهم می‌سازد: از ماهیت فنی الگوریتم‌ها تا نیازهای عملیاتی صنعت فیلم و سریال و از ساختار تولید محتوا تا الزام‌های حکمرانی در سطح ملی. این شیوه مطالعه با اتکا بر ادبیات معتبر و روش‌های شناخته‌شده تحلیل میان‌رشته‌ای، زمینه را برای استخراج الزام‌های دقیق، قابل اجرا و هماهنگ با اسناد استاندارد بین‌المللی فراهم کرده است. نتیجه این است که پژوهش نه تنها می‌تواند جایگاه هر کاربرد هوش مصنوعی را در زنجیره ارزش شناسایی کند، بلکه قادر است مداخلات حکمرانی متناسب را نیز پیشنهاد دهد؛ مداخلاتی که مبتنی بر تحلیل عمیق چرخه ارزش فناوری و چرخه تولید محتوا بوده و با واقعیت‌های سیاست‌گذاری فرهنگ و به‌طور خاص هنر و رسانه سازگار است.

۲. پیشینه در مرکز پژوهش‌ها

در حوزه پژوهش‌های هوش مصنوعی، گزارش‌های متنوعی منتشر شده که اهم آنها در جدول ۱ ارائه شده است. اما مرتبط‌ترین پژوهش انجام شده در مرکز با مسئله گزارش حاضر، گزارش کارشناسی «واکاوی ابعاد فرهنگی-ارتباطی توسعه هوش مصنوعی حوزه خبر و اطلاع‌رسانی» است که شماره نخست مجموعه گزارش‌های «واکاوی ابعاد فرهنگی-ارتباطی توسعه هوش مصنوعی» انتشار یافته است. این گزارش از میان انواع خدمات رسانه‌ای جدید، به صورت ویژه به حوزه خبر و اطلاع‌رسانی پرداخته و ضمن شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های توسعه هوش مصنوعی در حوزه خبر و اطلاع‌رسانی، پیشنهادهای سیاستی-تقنینی خود را مبتنی بر تحلیل این فرصت‌ها و چالش‌ها، به تفکیک شرح وظایف و اختیارات مجلس شورای اسلامی، سیاستگذاران و مدیران اجرایی و خبرگزاری‌ها ارائه کرده است.

جدول ۱. تحلیل پیشینه پژوهشی در مرکز پژوهش‌ها

ردیف	عنوان گزارش	سال انتشار	شماره مسلسل	نام دفتر	توضیحات
۱	بررسی وضعیت فناوری هوش مصنوعی در ایران و جهان	۱۳۹۶	۱۵۴۹۳	معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی	کاربرد هوش مصنوعی، آینده هوش مصنوعی
۲	هوش مصنوعی و قانونگذاری (۷) قانونگذاری و هوش مصنوعی در اتحادیه اروپا (ضرورت‌ها و چشم‌اندازهای اخلاقی و حقوقی)	۱۳۹۷	۱۶۰۶۳	مطالعات بنیادین حکومتی	ضرورت‌ها و چشم‌اندازهای اخلاقی و حقوقی قانونگذاری و هوش مصنوعی در اتحادیه اروپا
۳	ملاحظات به‌کارگیری تصمیم‌گیری خودکار و هوش مصنوعی در دولت و پارلمان	۱۳۹۸	۱۶۸۹۳	معاونت پژوهش‌های سیاسی حقوقی	مزایای به بهره‌گیری از خودکارسازی در پیشبرد بهتر امور اداری
۴	درآمدی بر حکمرانی هوش مصنوعی	۱۳۹۸	۱۶۶۹۲	معاونت پژوهش‌های سیاسی-حقوقی	خلاصه راهبردی از آکن دافو، مدیریت هوش مصنوعی: یک تحقیق / دستور کار، دانشگاه آکسفورد، ۲۰۱۸
۵	ابعاد فرهنگی-ارتباطی توسعه هوش مصنوعی (۱) حوزه خبر و اطلاع‌رسانی	۱۴۰۳	۲۰۵۱۴	مطالعات فرهنگ و آموزش	این گزارش ضمن شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های توسعه هوش مصنوعی در حوزه خبر و اطلاع‌رسانی، پیشنهادهای سیاستی-تقنینی خود را مبتنی بر تحلیل این فرصت‌ها و چالش‌ها، به تفکیک شرح وظایف و اختیارات مجلس شورای اسلامی، سیاستگذاران و مدیران اجرایی و خبرگزاری‌ها ارائه کرده است.
۶	هوش مصنوعی مولد: چالش‌ها و الزامات توسعه و پیاده‌سازی	۱۴۰۳	۱۹۸۷۹	مطالعات انرژی، صنعت و معدن	ملاحظات و الزام‌های مختلف توسعه هوش مصنوعی که آثار آنها در هوش مصنوعی مولد قابل تأمل و کلیدی است و همچنین پیاده‌سازی آن از منظر فنی و اجتماعی



ردیف	عنوان گزارش	سال انتشار	شماره مسلسل	نام دفتر	توضیحات
۷	توسعه و تنظیم‌گری هوش مصنوعی (۱): هوش مصنوعی مولد	۱۴۰۳	۱۹۸۷۹	مطالعات انرژی، صنعت و معدن	ایجاد زیرساخت‌های پایدار و ایمن فنی از قبیل استفاده از داده‌های مصنوعی، یادگیری انتقالی، فنون کاهش سوگیری، محاسبات ابری و توزیع شده در کاهش چالش‌های مرتبط با امنیت داده‌ها، حریم خصوصی، شفافیت، صحت و دقت نتایج و کاهش هزینه‌های محاسباتی
۸	توسعه و تنظیم‌گری هوش مصنوعی (۲): شاخص آمادگی هوش مصنوعی دولت	۱۴۰۳	۲۰۱۴۲	مطالعات انرژی، صنعت و معدن	بررسی شاخص آمادگی هوش مصنوعی دولت معرفی شده توسط مؤسسه آکسفورد اینسایت و بر اساس سه مؤلفه دولت، بخش فناوری و داده و زیرساخت، نشان می‌دهد که در سال ۲۰۲۳، آمریکا، سنگاپور و انگلیس به ترتیب نسبت به سایر کشورها پیشرو هستند و چین، رتبه ۱۶ در این شاخص را داراست. رتبه جهانی ایران در سال ۲۰۲۳ برای شاخص آمادگی هوش مصنوعی، ۹۴ بوده است.
۹	حکمرانی هوش مصنوعی (۱): ظرفیت‌های هوش مصنوعی در ارتقای فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی: رهنمودهایی مرتبط با مجلس شورای اسلامی	۱۴۰۳	۲۰۳۰۸	مطالعات حکمرانی	بررسی مسائل و چالش‌های فوق و کارکردهای شناسایی شده از هوش مصنوعی در خط‌مشی‌گذاری و قانونگذاری، توصیه‌های سیاستی جهت ارتقای کارآمدی بخش‌های مختلف زیرمجموعه مجلس شورای اسلامی متناسب با هر کارکرد
۱۰	حکمرانی هوش مصنوعی (۳): ظرفیت‌های هوش مصنوعی در ارتقای نظام اداری کشور	۱۴۰۳	۲۰۳۴۲	مطالعات حکمرانی	هوشمندسازی و خودکارسازی فرایندها، کاهش فساد اداری، افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها، شخصی‌سازی، ارتقای کیفیت و عارضه‌یابی خدمات ارائه‌شده، بهره‌مندی از هوش جمعی و تعامل مؤثر با شهروندان و ارتقای تعاملات بین‌سازمانی

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

در بررسی مجموعه گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس درباره هوش مصنوعی، یک تصویر کلی و منسجم پدیدار می‌شود: این گزارش‌ها هر چند در حوزه‌های متفاوتی مانند خبر، صنعت، خط‌مشی‌گذاری، دولت الکترونیک و قانونگذاری منتشر شده‌اند، اما همگی بر مجموعه‌ای از دغدغه‌های مشترک تأکید دارند؛ دغدغه‌هایی همچون پیامدهای فرهنگی و اجتماعی هوش مصنوعی، ضرورت تنظیم‌گری شفاف، اهمیت زیرساخت‌های داده و محاسبات، چالش‌های اخلاقی و سوگیری و نیاز به حکمرانی فعال برای هدایت این فناوری. این پیشینه نشان می‌دهد که در نگاه تقنینی در کشور ما، موضوع هوش مصنوعی صرفاً یک مسئله فناورانه نیست، بلکه یک پدیده حکمرانی و فرهنگی است که باید در ساختارهای قانونی، اجرایی و اجتماعی کشور مدیریت شود.

وجه مشترک دیگر این گزارش‌ها، توجه هم‌زمان به فرصت‌ها و مخاطرات است. از یک سو، گزارش‌هایی مانند «هوشمندسازی نظام اداری» و «ظرفیت‌های هوش مصنوعی در خط‌مشی‌گذاری» نشان می‌دهند که هوش مصنوعی می‌تواند کارآمدی، سرعت، کیفیت و دسترس‌پذیری خدمات را افزایش دهد. از سوی دیگر، گزارش‌هایی مانند ابعاد فرهنگی - ارتباطی هوش مصنوعی و بررسی‌های تطبیقی اتحادیه اروپا بر مخاطراتی مانند دستکاری الگوریتمی، سوگیری فرهنگی و نقض حریم خصوصی تأکید می‌کنند. این دوگانه فرصت - تهدید، پیام روشن

دیگری دارد: کشور نیازمند سیاست‌های چندبُعدی است که هم نوآوری را تسهیل کند و هم پیامدهای فرهنگی و اجتماعی را کنترل و هدایت کند.

این چارچوب تحلیلی هنگامی که به حوزه فیلم و سریال خانگی تعمیم داده می‌شود، ضرورت ورود به مسئله را چند برابر آشکار می‌سازد. صنعت نمایش خانگی به دلیل اتکای گسترده به داده مخاطبان، الگوریتم‌های توصیه‌گر، مدل‌های مولد در تولید محتوا و رقابت شدید در بازار توجه، دقیقاً در نقطه تلاقی همان چالش‌هایی قرار دارد که گزارش‌های مرکز پژوهش‌ها گوشزد می‌کنند: شفافیت الگوریتمی، حفظ تنوع فرهنگی، مدیریت محتوای تولیدشده با هوش مصنوعی، مسئولیت‌پذیری در روایت‌سازی، امنیت داده و استانداردهای اخلاقی. این حوزه بیش از هر صنعت فرهنگی دیگر در معرض خطرهای «سوگیری مدل‌ها»، «دستکاری مخاطب» و «جعل عمیق» قرار دارد و هم‌زمان بیش از سایر حوزه‌ها می‌تواند از فرصت‌های هوش مصنوعی در کاهش هزینه تولید و ارتقای کیفیت بهره‌بردار.

به همین دلیل، تحلیل این پیشینه پژوهشی به وضوح نشان می‌دهد که پرداختن به «الزام‌های توسعه هوش مصنوعی در فیلم و سریال خانگی» نه یک موضوع جانبی، بلکه یک ضرورت راهبردی برای حکمرانی فرهنگی کشور است. اگر نظام سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و صنعت محتوا نسبت به این موضوع بی‌تفاوت بماند، الگوریتم‌ها و مدل‌های غیربومی بدون مسئولیت‌پذیری فرهنگی، آینده مصرف رسانه‌ای جامعه را شکل خواهند داد. اما اگر بر پایه این پشتوانه علمی-حکمرانی، چارچوب‌های دقیق توسعه، تنظیم‌گری، شفافیت و حمایت تدوین شود، هوش مصنوعی می‌تواند به ابزاری برای تقویت روایت ایران اسلامی، ارتقای کیفیت تولیدات و رقابت‌پذیری سکوه‌های داخلی تبدیل شود. ضرورت پژوهش حاضر برای فراهم کردن مبنای علمی برای این مداخله ضروری و زمان‌مند، اینجاست که معنا می‌یابد.

۳. تحولات جهانی در زمینه کاربرد هوش مصنوعی در صنعت نمایش خانگی

۳-۱. ورود هوش مصنوعی به زنجیره ارزش صنعت نمایش خانگی

زنجیره ارزش صنعت نمایش خانگی در عصر رقومی (دیجیتال)، نه تنها از منظر اقتصادی بلکه به مثابه بستری برای شکل‌گیری روابط قدرت فرهنگی قابل تحلیل است. ورود هوش مصنوعی به این زنجیره، در سطوح گوناگون تحول ایجاد کرده است:

الف) طراحی و پیش تولید

در مرحله ایده‌پردازی، نگارش فیلمنامه و طراحی شخصیت، مدل‌های زبانی مولد مانند جی‌پی‌تی^۱، کلاودآ و جمنا^۲ قابلیت خلق روایت‌های چندخطی، تولید دیالوگ‌های (گفتگوهای) متنوع و حتی پیش‌بینی واکنش مخاطب را فراهم کرده‌اند. همچنین، سکوه‌های طراحی بصری مانند میدجرنی^۴ و دی‌آی‌دی^۵ امکان خلق فیلمنامه مصور و شخصیت‌های تصویری را در مرحله پیش‌بصری ارائه می‌کنند [۱۹].

ب) تولید

در فرایند تولید، استفاده از بازیگران مجازی، شبیه‌سازی صدا و چهره و پردازش بلادرنگ تصویر، جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند. در برخی پروژه‌های تلویزیونی و تبلیغاتی، حضور فیزیکی بازیگر حذف شده و تنها «هویت رقومی» او (با تأیید خود بازیگر)، نقش آفرین بوده است. این روند پرسش‌هایی را درباره مرز خلاقیت انسانی و فناوری برانگیخته است [۲۰].

1. GPT
2. Claude
3. Gemini
4. Midjourney
5. D-ID



ج) پساتولید

در مراحل تدوین، جلوه‌های ویژه، اصلاح رنگ و طراحی صدا، ابزارهای هوش مصنوعی^۱ با اتکا به الگوریتم‌های یادگیری ماشینی، فرایندهای زمان‌بر را به شدت تسهیل کرده‌اند. به‌ویژه در سینمای مستقل، این ابزارها موجب افزایش دسترس‌پذیری فنون حرفه‌ای شده‌اند.

د) توزیع و پخش

سکوهای اوتی تی^۲ و وی‌اودی^۳ از الگوریتم‌های توصیه‌گر برای شخصی‌سازی پیشنهادها استفاده می‌کنند. این الگوریتم‌ها با تحلیل الگوهای تماشای کاربر، نه تنها تجربه مصرف را بازطراحی کرده‌اند بلکه بر تصمیم‌گیری‌های تولید نیز اثر گذارند [۳]. توزیع هدفمند پیش‌نمایش‌های تبلیغاتی و ترغیب‌کننده، زیرنویس خودکار و بومی‌سازی هوشمند^۴ از دیگر کاربردهاست.

ه) مصرف و بازخورد

هوش مصنوعی در تحلیل داده‌های رفتاری مخاطبان، پردازش نظرها، استخراج احساسات و پیش‌بینی روندهای فرهنگی نقش ایفا می‌کند. برخی سکوها مانند یوتیوب و تیک‌تاک با یادگیری رفتار لحظه‌ای کاربران، ساختار مصرف فرهنگی را دگرگون کرده‌اند.

۲-۳. زنجیره ارزش فناوری هوش مصنوعی و نسبت آن با تولید فرهنگی

برای درک سیاستگذاری مناسب، لازم است تأثیرات هوش مصنوعی نه تنها از منظر کاربردی، بلکه از منظر فناورانه نیز تحلیل شوند. زنجیره ارزش هوش مصنوعی شامل مراحل زیر است:

الف) جمع‌آوری داده‌های فرهنگی

بسیاری از مدل‌های مولد از داده‌های متنی، صوتی و تصویری حاصل از آثار هنری برای آموزش استفاده می‌کنند. این امر مسائلی چون رضایت پدیدآورنده، مالکیت داده و نقض حق مالکیت فکری را مطرح می‌کند.

ب) آماده‌سازی و استانداردسازی داده

داده‌های فرهنگی غالباً بدون ساختارند و نیازمند برچسب‌زنی انسانی‌اند. استفاده از آثار بدون اطلاع صاحبان اثر، یکی از چالش‌های اخلاقی در این مرحله است.

ج) آموزش مدل‌های بزرگ زبانی و تصویری

شرکت‌های بزرگ فناوری از داده‌های عمومی (مانند آی‌ام‌دی‌بی)^۵، فیلمنامه‌ها، موسیقی‌ها برای آموزش مدل‌ها استفاده می‌کنند. پرسش اصلی این است که: آیا یک بازیگر یا نویسنده حق دارد مانع آموزش الگوریتم با داده‌های خود شود؟

د) توسعه ابزارهای خلاقانه

نرم‌افزارهای تولید صدا، ویرایش تصویر و فیلترگذاری، با استفاده از تولید رابط‌های برنامه‌نویسی کاربردی خلاق و مبتنی بر هوش مصنوعی ساخته می‌شوند. در این مرحله، بحث‌هایی درباره استانداردسازی خروجی، دسترسی برابر و شفافیت کد مطرح است.

۱. مانند Adobe Sensei یا Runway

2. OTT

۳. مانند Netflix, Amazon Prime and Hulu

4. VOD

۵. Smart Localization: به معنای تطبیق یک محصول، محتوا یا فناوری با زبان، فرهنگ، مقررات و ترجیحات محلی یک بازار. مثلاً ترجمه رابط کاربری، تغییر فرمت تاریخ و ارز، یا حتی تغییر رنگ‌ها براساس فرهنگ مخاطب.

7. IMDB

۶. منظور از تولید فرهنگی تولیدات در صنایع فرهنگی است که از منابع فرهنگی یک جامعه تغذیه کرده و تولید می‌شوند.

ه) استفاده در محیط فرهنگی و نظارت مستمر

خروجی های هوش مصنوعی ممکن است با سوگیری، تعمیم پذیری ضعیف یا خطاهای ادراکی همراه باشند. در خدمات رسانه‌ای و تولیدات نمایش خانگی، این مخاطره (ریسک) می‌تواند به تحریف فرهنگی، کلیشه‌سازی یا تبعیض منجر شود [۲۱].

۳-۳. الگوهای سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری تطبیقی

تحولات فناوری هوش مصنوعی و ورود آن به حوزه هنر و رسانه، به‌ویژه صنعت نمایش خانگی، کشورها را با پرسش‌هایی نوین در زمینه حقوق فرهنگی، اخلاق خلاقیت و تنظیم‌گری نوآورانه مواجه کرده است. پاسخ کشورها به این پرسش‌ها، هم‌راستا با سنت‌های حقوقی، ساختار حکمرانی و نحوه مواجهه با فناوری در هر نظام سیاسی - فرهنگی بوده است. در این بخش، چهار کشور / منطقه با الگوهای متمایز بررسی می‌شوند: ایالات متحده، اتحادیه اروپا، انگلیس و چین.

الف) ایالات متحده: تنظیم‌گری صنفی محور با تأکید بر رضایت بازیگر

ایالات متحده، با اقتصاد فرهنگی قدرتمند و صنعتی‌ترین ساختار سینمایی جهان، زودتر از سایر کشورها با تأثیرات عملی هوش مصنوعی در فرایند تولید و پساتولید مواجه شد. یکی از نقاط عطف حکمرانی در این حوزه، قرارداد جدید اتحادیه بازیگران آمریکا^۱ با استودیوهای بزرگ در سال ۲۰۲۳ بود. این قرارداد، پس از ماه‌ها اعتصاب، به نتیجه رسید و طی آن، بندهایی درباره کاربرد هوش مصنوعی در بازتولید صدا، چهره و اجرای بازیگران گنجانده شد [۲۲]. براساس این توافق، استفاده از تصویر، صدای رقومی (دیجیتال) یا بازسازی مجازی یک بازیگر صرفاً با رضایت آگاهانه، قرارداد کتبی مشخص، مدت‌زمان محدود، تعیین حوزه استفاده و پرداخت حق الزحمه مستقل مجاز است. این توافق در عمل مفهوم «کپی دیجیتال (روگرفت رقومی) بازیگر» را رسمی کرد و مجموعه‌ای از تعهدات اجرایی به کارفرمایان افزود؛ ثبت و مستندسازی هر گونه اسکن (تطبیق) سه‌بعدی چهره یا بدن، محدودیت در استفاده مجدد از داده‌ها برای آموزش مدل‌های جدید و الزام به نابودسازی دارایی‌های دیجیتال (رقومی) پس از پایان قرارداد. به‌طور کلی این توافق، مدل تازه‌ای از «حقوق تصویر» در بستر هوش مصنوعی تعریف کرد که میان مالکیت فردی، مشارکت خلاق و منافع شرکت‌های تولیدی تعادل برقرار می‌سازد. همچنین، در سطح سیاست عمومی، نهادهایی چون کمیسیون تجارت فدرال^۲ و مؤسسه ملی استانداردها و فناوری^۳ راهنمایی درباره ضدفریبکاری الگوریتمی، حفاظت از مصرف‌کننده، شفافیت سیستم‌های توصیه‌گر و جلوگیری از سوءاستفاده از چهره دیجیتال (رقومی) منتشر کرده‌اند. با این حال، هنوز قانون فدرال جامعی درباره هوش مصنوعی در حوزه فرهنگ به تصویب نرسیده و نقش اصلی در تنظیم‌گری بر عهده صنوف، قراردادهای خصوصی و دادگاه‌ها است. این مدل، مبتنی بر سنت حقوق قراردادی آمریکاست و عموماً به نفع بازار باز، نوآوری سریع و خودتنظیمی صنفی طراحی شده است. این چارچوب از سه ابزار کلیدی تشکیل شده است:

۱. ابزار رضایت آگاهانه

در نسخه تکمیلی قرارداد، برای هر بازیگر یک «فرم رضایت لایه‌مند» تدوین شده که شامل تعریف دقیق نوع استفاده (اسکن/روگرفت) سه‌بعدی، بازسازی چهره، شبیه‌سازی صدا، تولید بدل دیجیتال (رقومی)، مدت زمان استفاده، دامنه پخش (سینما/تلویزیون/اسکوها)، ممنوعیت آموزش مدل‌ها با داده بازیگر بدون رضایت جداگانه و نهایتاً الزام به ارائه نسخه نهایی دارایی دیجیتال (رقومی) برای تأیید بازیگر است. این رضایت لایه‌ای عملاً الگویی برای مدیریت دارایی‌های فناورانه در صنعت نمایش خانگی است.

1. SAG-AFTRA
2. FTC
3. NIST



۲. ابزار پایش و گزارش‌دهی استفاده از هوش مصنوعی

استودیوها موظف شدند هر مورد استفاده از چهره یا صدای دیجیتال (رقومی) را در یک سیستم ثبت مرکزی اعلام کنند. این ابزار سه کار کرد دارد؛ جلوگیری از استفاده مجدد بدون اجازه، امکان پیگیری حقوقی سوءاستفاده و شفافیت در فرایند تولید و پساتولید.

۳. ابزار جبران مالی به ازای هویت دیجیتال (رقومی)

برای هر بار استفاده از هویت دیجیتال (رقومی)، تعرفه‌های مشخص تعیین شد (بسته به اهمیت نقش، مدت، سطح استفاده). این ابزار یک گزاره سیاستی بسیار مهم تولید می‌کند؛ **هویت دیجیتال (رقومی) یک «دارایی اقتصادی قابل قیمت‌گذاری» است.** این نوآوری برای صنعت سریال خانگی بسیار مهم است؛ زیرا بسیاری از سکوها از شبیه‌سازی چهره برای دوبله، جوان‌سازی بازیگران و بازسازی صحنه‌های گذشته استفاده می‌کنند.

ب) اتحادیه اروپا: تنظیم‌گری حقوق محور با ساختار قانونی الزام‌آور

اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۴ با تصویب نهایی قانون هوش مصنوعی،^۱ نخستین چارچوب جامع حقوقی الزام‌آور در جهان برای حکمرانی بر هوش مصنوعی را ارائه کرد. این قانون، کاربردهای مختلف هوش مصنوعی را در سطوح «مخاطره پایین»، «مخاطره متوسط» و «مخاطره بالا» طبقه‌بندی می‌کند و برای هر دسته، الزام‌های متفاوتی در نظر می‌گیرد [۲۳]. در حوزه فرهنگ، هنر و رسانه، قانون هوش مصنوعی به‌ویژه در دو محور متمرکز است:

۱. الزام به برچسب‌گذاری محتوای تولیدشده توسط هوش مصنوعی

چنانچه یک تصویر، ویدئو یا صدا توسط هوش مصنوعی خلق یا دستکاری شده باشد، باید به‌صورت واضح، مشخص و قابل فهم برای مخاطب برچسب‌گذاری شود. این الزام شامل موارد زیر است. ویدئوهای ایجادشده با ابزارهای مولد، بازسازی چهره بازیگران در فیلم‌ها، دوبله خودکار با صدای شبیه‌سازی‌شده، تصاویر تبلیغاتی ساخته‌شده با مدل‌های مولد. هدف اصلی این راهبرد، مقابله با جعل عمیق، گمراهی مخاطب و تحریف واقعیت رسانه‌ای است.

۲. شفاف‌سازی داده‌های آموزشی مدل‌های هوش مصنوعی

شرکت‌ها باید خلاصه‌ای از منابع داده‌ای مورد استفاده در آموزش مدل‌های خود منتشر کنند. این الزام به‌ویژه برای مدل‌هایی که در فرایند آموزش از «آثار دارای حقوق مالکیت فکری» استفاده می‌کنند، مهم است. شرکت‌ها ملزم به اعلام موارد زیر هستند. نوع داده (متن، تصویر، ویدئو و صدا)، منبع داده (آرشیوهای باز، آثار دارای مجوز، داده‌های وب‌خزنده و محتوای خریداری‌شده) و در نهایت نحوه رعایت حقوق پدیدآورندگان. این الزام می‌تواند مبنایی برای حمایت از تولیدکنندگان مستقل و جلوگیری از سوءاستفاده داده‌ای باشد.

افزون بر این، مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها،^۲ دستورالعمل کپی‌رایت دیجیتال (حق مالکیت فکری رقومی) و مقررات خدمات دیجیتال (رقومی)^۳ به‌صورت مکمل در فضای فرهنگی اعمال می‌شود. اتحادیه اروپا بدین وسیله الگویی از تنظیم‌گری حقوق محور ارائه داده که بر پیشگیری، پاسخ‌گویی، شفافیت، عدالت اطلاعاتی و حفاظت هم‌زمان از مصرف‌کننده و تولیدکننده تأکید دارد. این مدل در حفظ تنوع فرهنگی و جلوگیری از سلطه انحصارگران دیجیتال (رقومی) مؤثر بوده، هرچند برخی منتقدان آن را کندکننده روند نوآوری می‌دانند. این قانون فقط برچسب‌گذاری و شفافیت را مطرح نکرده؛ بلکه یک معماری چندلایه تنظیم‌گری برای الگوریتم‌ها ایجاد کرده است که مستقیماً برای صنعت نمایش خانگی قابل استفاده است.

1. AI Act
2. GDPR
3. DSA

الف) شفاف سازی دلایل پیشنهاد محتوا

طبق دستورالعمل کمی رایت دیجیتال (حق مالکیت فکری رقومی) و مقررات خدمات دیجیتال (رقومی) و قانون هوش مصنوعی، سکوها موظف شده اند معیارهای اصلی توصیه محتوا، سابقه تماشا، ویژگی های جمعیت شناسی، شباهت محتوایی را شرح دهند. به کار بر امکان بدهند منطق سیستم توصیه گر را تغییر دهد (مثلاً پیشنهاد براساس تاریخ تماشا یا پیشنهاد براساس پسند عمومی). الگوریتم هایی که کاربران زیر ۱۸ سال را هدف گذاری می کنند باید «غیربرخوردار از پروفایل سازی پیشرفته» باشند. سکوها موظف اند سالیانه یک گزارش حسابرسی مخاطره الگوریتمی^۱ منتشر کنند.

ب) ابزارهای حمایتی تکمیلی برای بخش فرهنگ و هنر

اتحادیه اروپا هم زمان از سه ابزار دیگر استفاده می کند. برای حمایت از رسانه های کوچک قانون آزادی رسانه ها^۲ را به کار گرفته است. برای حمایت مالی از تولید محتوای تولید شده به کمک هوش مصنوعی برنامه خلاق اتحادیه اروپا^۳ و برای مدیریت آثار وارد شده به مدل های هوش مصنوعی نیز دستورالعمل مالکیت فکری^۴ را مورد تأکید و تصویب قرار داده است. این ها الگویی ارزشمند از ترکیب تنظیم گری در کنار حمایت فرهنگی است.

ج) انگلیس: تأکید بر حق تصویر و شفافیت اخلاقی در چارچوب تنظیم گری انعطاف پذیر

انگلیس، پس از خروج از اتحادیه اروپا، کوشیده است چارچوبی مستقل اما سازگار با استانداردهای بین المللی برای حکمرانی هوش مصنوعی طراحی کند. در سال ۲۰۲۵، اتحادیه های صنفی هنرمندان از جمله منشوری اخلاقی درباره استفاده از هوش مصنوعی در رسانه و تبلیغات منتشر کردند. مفاد کلیدی این منشور عبارتند از: الزام کسب اجازه آگاهانه و کتبی از هنرمندان برای استفاده از چهره، بدن، صدا یا آثارشان در آموزش مدل های هوش مصنوعی؛ انتشار بیانیه شفافیت درباره الگوریتم های توصیه گر سکوها و افشای عوامل اثرگذار بر پیشنهاد محتوا؛ تعیین نرخ رسمی «جبران مالی برای استفاده از هویت دیجیتال (رقومی)» هنرمندان؛ پیشنهاد تدوین «حق شبیه سازی به عنوان مفهوم جدید در حقوق چهره؛ تدوین استانداردهای اخلاقی برای جلوگیری از سوءاستفاده تبلیغاتی از چهره دیجیتال (رقومی) افراد.

از سوی دیگر، دولت انگلیس از طریق وزارت فرهنگ، رسانه و ورزش، چارچوبی موسوم به چارچوب پیشنهادی نوآوری در هوش مصنوعی^۵ تدوین کرده است که بر خودتنظیمی هدایت شده و تنظیم گری مبتنی بر مخاطره تأکید دارد. در این مدل، دولت نقش «تسهیل گر»، صنوف هنری نقش «حافظ حقوق بازیگران» و شرکت های فناوری نقش «پاسخ گو» را ایفا می کنند. انگلیس با این الگو تلاش دارد هم از مزایای اقتصادی و خلاقانه هوش مصنوعی بهره برد و هم با نهادسازی تدریجی، حقوق صنفی و فرهنگی هنرمندان را تقویت کند.

انگلیس تنها به نوشتن اصول اخلاقی بسنده نکرده؛ ساختار اجرای آن را نیز طراحی کرده است. «خودتنظیمی هدایت شده» در انگلیس یعنی ابتدا دولت، اصول پایه را تعیین می کند که عبارتند از: رضایت بازیگر، افشای استفاده از هوش مصنوعی در تولید، حق بازیگر برای رد نسخه دیجیتال (رقومی) خود و نهایتاً استانداردهای حفاظت از داده. سپس صنوف هنری «کدهای رفتاری» می نویسند مانند ممنوعیت استفاده از چهره بدون قرارداد، الزام پرداخت بابت شباهت دیجیتال (رقومی)، ممنوعیت آموزش مدل ها با آثار هنرمندان بدون مجوز و در آخر اعلام عمومی موارد استفاده از هوش مصنوعی در تولیدات هنری و رسانه ای. بر این مبنا و در ادامه شرکت ها باید برنامه انطباق در حوزه هوش مصنوعی تهیه کنند. هر تهیه کننده و سکو باید برنامه ای سالیانه شامل این موارد زیر ارائه دهد: موارد استفاده از هوش مصنوعی، مخاطره های احتمالی، شیوه کاهش سوگیری، سازوکار پاسخ گویی و فرایند بازبینی انسانی. برای حل تعارضات و اختلافات

1. Algorithmic Risk Audit
2. Media Freedom Act
3. Creative Europe Programme
4. Copyright DSM Directive
5. Promoted AI Innovation Framework



یک نهاد میانجی ایجاد می‌شود. به‌طور مثال برای اختلافات میان بازیگران و تهیه‌کنندگان در سوءاستفاده از چهره دیجیتال (رقومی). از سوی دیگر حسابرسی اخلاقی سالیانه نیز توسط نهادهای مستقل انجام می‌شود.

د) چین: تنظیم‌گری سخت‌گیرانه با تمرکز بر هویت، امنیت و نظم عمومی

جمهوری خلق چین، با نگاهی متفاوت و امنیت‌محور، از نخستین کشورهای تولیدکننده توسط هوش مصنوعی وضع کرد. در ژانویه ۲۰۲۳، قانون «هم‌آفرینی عمیق» اجرایی شد که تمام محتوای دیجیتال (رقومی) تولیدشده توسط هوش مصنوعی (اعم از تصویر، صدا و متن) را مشمول الزام‌های نظارتی و برچسب‌گذاری می‌داند [۲۴]. مفاد اصلی این مقررات عبارت‌اند از: برچسب‌گذاری اجباری برای محتوای تولیدشده توسط هوش مصنوعی، به‌ویژه در مواردی که شباهت با انسان واقعی دارد (مانند چهره‌سازی، دوبله خودکار، خبرسازی جعلی)؛ ممنوعیت استفاده از تصویر یا صدای فرد بدون رضایت کتبی صریح؛ الزام سکوها به تأیید هویت واقعی کاربران ابزارهای تولید محتوا؛ ممنوعیت کاربردهای ظریف و نامحسوس هوش مصنوعی در بازتولید محتوا بدون اعلام قبلی؛ نظارت دولتی بر الگوریتم‌ها، ثبت و گزارش دهی اجباری و مسئولیت سکوها نسبت به محتوای منتشرشده؛ تطبیق کامل با قوانین کلان مانند قانون حفاظت از داده‌های شخصی و مقررات امنیت سایبری. الگوی چین نمونه‌ای از تنظیم‌گری دولت‌محور و کنترل حداکثری است که هدف اصلی آن پایداری نظم اجتماعی، جلوگیری از آشوب اطلاعاتی، مدیریت هویت دیجیتال (رقومی) و کنترل زنجیره تولید محتوا است. این مدل امکان حفظ انسجام اطلاعاتی و جلوگیری از سوءاستفاده گسترده از فناوری را فراهم می‌آورد.

چین برخلاف سایر مدل‌ها، تمرکز بر مدیریت اطلاعات، کنترل آشفستگی رسانه‌ای و حفظ نظم عمومی است. در این مدل، دولت نه پس از وقوع، بلکه پیش از وقوع نظارت می‌کند. در مجوزدهی پیشینی الگوریتم‌ها هر الگوریتم توصیه‌گر یا تولید محتوا باید ثبت شود، توضیحات فنی ارائه دهد، ساختار داده ورودی/خروجی مشخص کند و پیش از فعالیت تأیید بگیرد. این سازوکار در عمل فرایند هویت‌بخشی به الگوریتم‌ها است. سپس در فرایند برچسب‌گذاری الزامی برای هر نوع محتوای خلق‌شده، برچسب باید غیرقابل حذف باشد، همراه محتوا در هر سکوی منتقل شود و الگوریتم مسئول تشخیص جعل باشد. این یعنی برچسب به مثابه هویت محتوا. در گام بعدی تأیید هویت واقعی کاربران سکوها توسط هوش مصنوعی مورد تأکید قرار دارد. بدون احراز هویت، امکان تولید محتوای مولد وجود ندارد، پس خطر جعل کاهش می‌یابد و مسئولیت‌پذیری افزایش می‌یابد. در صورت انتشار محتوای مضر، هم تولیدکننده و هم سکوی مسئول‌اند. این همان مسئولیت مشترک سکوها و تولیدکنندگان است. این مدل برای کشورهایی که دغدغه مصون‌سازی فرهنگی دارند، قابلیت الگوبرداری دارد.

جدول ۲. مقایسه تطبیقی کشورهای در سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری

کشور / منطقه	نهاد تنظیم‌گر	ابزارهای سیاستی	دامنه شمول	سطح الزام	ویژگی بارز
ایالات متحده	اتحادیه + دولت فدرال	قرار دادهای صنفی، خطوط راهنما	بازیگر، صدا و چهره	متوسط	مدل مبتنی بر رضایت آگاهانه
اتحادیه اروپا	کمیسیون اروپا + نهادهای عضو	هوش مصنوعی Act، GDPR، کپی‌رایت DSM	همه بخش‌ها، از جمله فرهنگ	بالا	الزام برچسب‌گذاری محتوای مصنوعی
انگلیس	DCMS، اتحادیه‌ها	منشور اخلاقی هوش مصنوعی، حقوق چهره	حوزه فرهنگ، رسانه، تبلیغات	متوسط	تأکید بر حق تصویر و شفافیت الگوریتم
چین	اداره کل فضای مجازی + وزارت فرهنگ	مقررات «هم‌آفرینی عمیق»، برچسب‌گذاری اجباری	تصویر، صدا و محتوای ترکیبی	بالا	حکمرانی دولتی و مصون‌سازی فرهنگی

مأخذ: همان.

بهره‌سیاستی مطالعه تطبیقی برای جمهوری اسلامی ایران

الف) ضرورت تعریف حقوق «هویت دیجیتال (رقومی)»

الگوی آمریکا و انگلیس نشان می‌دهد مهم‌ترین شکاف حقوقی آینده، نقص و نقض «حق کنترل چهره، صدا و بدن دیجیتال (رقومی)» است. باید یک چارچوب حقوقی مشخص برای مالکیت داده چهره، رضایت‌نامه‌های لایه‌مند، ممنوعیت بازتولید بدون اجازه و نرخ جبران مالی هویت دیجیتال (رقومی) تدوین شود. این حوزه در حال حاضر خلأ قانونی دارد.

ب) تدوین استاندارد ملی «برچسب‌گذاری محتوای هوش مصنوعی»

الگوی اتحادیه اروپا و چین نشان می‌دهد برچسب‌گذاری محتوا، مهم‌ترین ابزار تنظیم‌گری کم‌هزینه و پراثر است. باید هر محتوای ویدئویی/صوتی تولید یا دستکاری شده با هوش مصنوعی به صورت واضح و غیرقابل حذف برچسب‌گذاری شود. این اقدام، هم مکمل صیانت فرهنگی است، هم ضامن اعتماد عمومی.

پ) الزام سکوها به شفاف‌سازی منطق توصیه محتوا

در تجربه اروپا و انگلیس، شفافیت سیستم‌های پیشنهاددهنده جزو مهم‌ترین اقدام‌هاست. باید حداقل معیارهای پیشنهاد محتوا اعلام شود، امکان انتخاب الگوریتم جایگزین (مثلاً بدون پروفایل‌سازی) فراهم شود و سالیانه «گزارش حسابرسی الگوریتمی» منتشر شود. این امر از ایجاد سوگیری فرهنگی و دستکاری ذائقه جلوگیری می‌کند.

ت) ایجاد نظام ثبت و پایش موارد استفاده از هوش مصنوعی در صنعت نمایش خانگی

از تجربه ایالات متحده می‌توان نظامی تدوین کرد که هرگونه استفاده از سرویس‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، هرگونه بازسازی چهره و صدا و هرگونه تولید محتوای مولد در یک سامانه ملی ثبت شود. این ابزار، زیرساخت حکمرانی فرهنگی را تقویت می‌کند. **تدوین برنامه انطباق برای سکوها**

مانند انگلیس، ایران می‌تواند الزام کند که هر سکوی شرکت تولید، سالیانه برنامه‌ای شامل فهرست موارد استفاده از هوش مصنوعی، مخاطره‌های احتمالی، اقدام‌های کاهش سوگیری و رویه‌های نظارت انسانی ارائه دهد. این سازوکار حتی بدون قانون جامع نیز قابل اجراست.

ج) مرحله‌بندی الزام‌ها و پرهیز از سیاست‌گذاری یکباره

الگوی اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که مرحله‌بندی برای کارآمدی حیاتی است. برای محتوای کم‌مخاطره فقط برچسب، برای محتوای متوسط ثبت و شفافیت و برای محتوای پر مخاطره: ممیزی و محدودیت به کار گرفته شود.

چ) ضرورت پیوند دادن تنظیم‌گری با حمایت فرهنگی

اروپا نشان داد که بدون حمایت مالی از تولیدکنندگان مستقل، تنظیم‌گری موجب رکود می‌شود. باید هم‌زمان صندوق حمایت از تولیدات با کمک هوش مصنوعی، حمایت از ابزارسازی داخلی (دوبله هوشمند و...) و ارتقای مهارت نیروی انسانی را توسعه دهد.

ح) تعریف «مسئولیت مشترک سکوی تولیدکننده» در محتوای مولد

از تجربه چین می‌توان این‌گونه آموخت که هم سکوی و هم تولیدکننده باید در برابر محتوای جعلی/نامناسب پاسخگو باشند.

خ) ضرورت ایجاد نهاد میانجی تخصصی برای اختلافات حوزه هوش مصنوعی در صنعت محتوا

براساس الگوی انگلیس، یک «مرکز حل و فصل اختلافات هویت دیجیتال (رقومی)» لازم است تا اختلافات بازیگران، سکوها و تهیه‌کنندگان، درباره هویت دیجیتال (رقومی)، داده چهره یا استفاده از مدل‌های مولد را سریع و تخصصی حل کند.

د) بومی‌سازی اصول شفافیت و اخلاق (نه تقلید صرف)

مهم‌ترین خروجی مقایسه این است که هیچ کشور دیگری «یک مدل کامل» ندارد. بنابراین می‌توان از ایالات متحده حقوق هویت دیجیتال (رقومی)، از اروپا شفافیت و برچسب‌گذاری، از انگلیس خودتنظیمی هدایت‌شده و از چین مسئولیت مشترک و نظارت پیشینی در کاربردهای پرخطر را ترکیب و براساس نیاز فرهنگی کشور، الگوی بومی طراحی کرد.



۴. وضعیت جمهوری اسلامی ایران در سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری هوش مصنوعی در صنعت نمایش خانگی



۴-۱. وضعیت نهادی: بازیگران، ظرفیت‌ها و شکل حکمرانی

سیاست‌گذاری و حکمرانی فناوری‌های نوظهور در کشور، به‌ویژه در تقاطع با حوزه فرهنگ، در بستری پیچیده و چندنهادی شکل می‌گیرد. از یک سو، نهادهای بالادستی همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی وظیفه طراحی سیاست‌های کلان در حوزه علم و فناوری را بر عهده دارند؛ و از سوی دیگر، نهادهای بخشی چون سازمان امور سینمایی و سمعی-بصری، صداوسیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ساترا و معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری در حوزه اجرا و تنظیم‌گری ایفای نقش می‌کنند. نقش آفرینی این نهادها در حوزه هوش مصنوعی، به‌ویژه در صنعت نمایش خانگی، تاکنون بیشتر پراکنده، موقتی و واکنشی بوده است. برای نمونه، سازمان سینمایی به‌تازگی بخشی از جشنواره‌های خود را به آثار تولیدشده با هوش مصنوعی اختصاص داده، اما هنوز فاقد چارچوب‌های نظارتی مشخص برای حقوق بازیگران مجازی یا تولید مشترک انسان-ماشین است. در سطح سکوها، ساترا به‌عنوان نهاد تنظیم‌گر صوت و تصویر فراگیر، اخیراً آیین‌نامه‌هایی درباره شفافیت محتوای مصنوعی و نظام رتبه‌بندی آنها تدوین کرده است؛ با این حال، از نظر نهادهایی همچون شورای نگهبان وضعیت حقوقی این نهاد و جایگاه آن در ساختار تنظیم‌گری، محل مناقشه است. در سطح صنوف و بدنه حرفه‌ای، برخلاف تجربه کشورهای غربی، نهادهای صنفی مانند خانه سینما یا انجمن‌های صنفی تاکنون نقش مؤثری در تدوین سیاست‌های مرتبط با هوش مصنوعی ایفا نکرده‌اند. نبود سازمان‌دهی قوی صنفی و نیز نبود مشارکت این گروه‌ها در حکمرانی فناوری، موجب شکل‌گیری شکاف نهادی جدی در ساختار تصمیم‌سازی می‌شود. همچنین باید توجه داشت که ساختار حکمرانی علم و فناوری کشور هنوز فاقد یک تنظیم‌گر مستقل فناوری‌های نوظهور است که بتواند به‌صورت فرابخشی، پیامدهای اخلاقی، حقوقی و اقتصادی هوش مصنوعی را در حوزه‌های مختلف از جمله فرهنگ و هنر مدیریت کند. این خلأ موجب پراکندگی اختیارات، هم‌پوشانی نهادی و مسئولیت‌گریزی در موارد تعارض برانگیز می‌شود. اگر چه شاید با پایان یافتن کش و قوس‌ها بر سر تشکیل نهاد متولی هوش مصنوعی این نقیصه برطرف شود.

۴-۲. وضعیت مقررات، قوانین و اسناد سیاستی

الف) سند ملی توسعه هوش مصنوعی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی

این سند، به‌عنوان نخستین نقشه‌راه ملی هوش مصنوعی، اهدافی چون ارتقای رتبه کشور به جایگاه نخست منطقه و حضور در جمع ده کشور برتر جهان را دنبال می‌کند. در بندهایی از سند، به لزوم بومی‌سازی الگوریتم‌ها، حفاظت از داده‌های بومی، رعایت اخلاق و تقویت زیرساخت‌های فرهنگی اشاره شده است. با این حال، سند فاقد بندهای مشخص درباره نقش هوش مصنوعی در صنایع فرهنگی و حقوق بازیگران، نویسندگان یا مخاطبان در مواجهه با محتوای مصنوعی است. همچنین هیچ اشاره‌ای به ضرورت تنظیم‌گری یا تنظیم‌شده بودن تولیدات فرهنگی-خلاق ندارد [۲۵].

ب) مقررات ساترا درباره هوش مصنوعی و محتوای تولیدی توسط هوش مصنوعی

ساترا در بخش‌های رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر، آیین‌نامه‌هایی درباره برچسب‌گذاری محتوای تولیدشده توسط هوش مصنوعی منتشر کرده است. از جمله بندهایی که رسانه‌ای شد، الزام سکوها به تفکیک محتوای کاملاً تولیدشده با هوش مصنوعی از آثار انسانی و نیز توصیه به الگوریتم‌های شفاف در توصیه محتواست. با این حال، این مقررات بیشتر از نوع خطوط راهنما هستند و فاقد ضمانت اجرایی قوی، نظارت نهادی مستقل، یا پشتوانه قضایی هستند [۲۶].

ج) قوانین عمومی مرتبط

■ **قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان:**^۱ این قانون هنوز مبنای حقوقی اصلی مالکیت فکری در کشور است، اما فاقد تعریف روشن از آثار تولیدشده با هوش مصنوعی است [۲۷].

■ **قانون جرایم رایانه‌ای:**^۲ تنها در بند محدود به موضوع جعل رقومی (دیجیتالی) (رقومی) اشاره دارد و تمرکز بر حوزه فرهنگی ندارد [۲۸].

۳-۴. تحلیل تطبیقی قوانین موجود ایران در ارتباط با هوش مصنوعی و محصولات فرهنگی

در قوانین موجود به طور عمده دو قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب سال ۱۳۴۸ (با اصلاحات بعدی) و قانون جرائم رایانه‌ای (۱۳۸۸) نزدیک ترین حیطه موضوعی با محتوای مورد بررسی در این گزارش را دارند که در ادامه به بررسی و تطبیق آنها با شرایط فعلی پرداخته می شود:

جدول ۳. تحلیل تطبیقی قوانین موجود ایران در ارتباط با هوش مصنوعی و محصولات فرهنگی

قانون / ماده یا بند مرتبط	مفاد قانونی	امکان اطلاق به تولیدهای هوش مصنوعی	کاستی‌ها و دلایل نبود کفایت برای حوزه فیلم و سریال در عصر هوش مصنوعی
قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸ ماده (۲)	آثار مورد حمایت شامل: کتاب، نوشته، نمایشنامه، آثار سینمایی، آثار صوتی، عکس، طرح، نقاشی و...	بله، اما به طور ناقص. از نظر لفظی، آثار سینمایی و صوتی شامل خروجی هوش مصنوعی هم می‌تواند بشود.	۱. ماده (۲) «پدیدآورنده انسانی» را پیش فرض گرفته؛ اثر تولیدشده توسط ماشین تعریف نشده است. ۲. در تولیدات هوش مصنوعی «سازنده مدل»، «کاربر مدل» و «مالک داده» تعامل سه‌گانه دارند که ماده (۲) هیچ سازوکاری برای تعیین مالکیت ارائه نمی‌دهد. ۳. آثار ترکیبی در این قانون فاقد تعریف است.
قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸ ماده (۳)	پدیدآورنده کسی است که اثر به ابتکار او پدید آمده باشد.	تقریباً غیر قابل اطلاق چون در تولیدات هوش مصنوعی، ابتکار و «خلاقیت» مبهم می‌شود.	۱. مشخص نیست «ابتکار» مدل هوش مصنوعی، «ابتکار» پر امپت‌دهنده (فرمان‌دهنده) یا «ابتکار» بر نامه‌نویس مدل محسوب می‌شود. ۲. قانون هیچ معیار عملی برای تعیین سهم خلاقه انسان در آثار هوش مصنوعی ارائه نمی‌دهد.
قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸ ماده (۵) و (۱۲)	حقوق مادی و معنوی برای پدیدآورنده محفوظ است.	نسبی. آثار کاملاً تولیدشده با هوش مصنوعی، «پدیدآورنده» مبهم است یا وجود ندارد.	۱. آثار کاملاً مولد بی‌صاحب می‌مانند. ۲. برای آثار مشارکتی، قانون سازوکار تقسیم حق الزحمه ندارد. ۳. در حوزه فیلم و سریال، پرسش مهم «حق بازیگر دیجیتال (رقومی)» کاملاً بی‌پاسخ است.
قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸ ماده (۶) و (۹)	منع تحریف اثر و الزام ذکر نام پدیدآورنده.	به صورت ناقص قابل اطلاق است.	۱. آیا باید «نام مدل» یا «نام توسعه‌دهنده» به عنوان پدیدآورنده ذکر شود؟ ۲. در جعل عمیق آیا تحریف محسوب می‌شود یا یک اثر جدید؟ ۳. خط تشخیص «تحریف» و «خلق» در هوش مصنوعی روشن نیست. ۴. آیا منظور از همکاری دو یا چند پدیدآورنده می‌تواند قابل اطلاق به حوزه فناوری هم باشد؟

۱. مصوب سال ۱۳۴۸ مجلس شورای ملی.
۲. مصوب سال ۱۳۸۸ مجلس شورای اسلامی.



قانون / ماده یا بند مرتبط	مفاد قانونی	امکان اطلاق به تولیدهای هوش مصنوعی	کاستی‌ها و دلایل نبود کفایت برای حوزه فیلم و سریال در عصر هوش مصنوعی
قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ماده (۱۳۴۸)	مدت حمایت ۵۰ سال پس از فوت پدیدآورنده.	غیر قابل اجرا برای آثار هوش مصنوعی	۱. مدل نمی‌میرد؛ پس قانون زمان‌بندی حقوقی ندارد. ۲. آثار تولیدشده نسبت به زمان فوت چه کسی باید سنجیده شوند؟ ۳. مشکل، نظام حقوقی را عملاً فلج می‌کند.
قانون جرایم رایانه‌ای (۱۳۸۸) ماده (۱۶)	جرم‌انگاری جعل رایانه‌ای؛ ساخت یا استفاده از داده مجعول.	به‌طور جزئی قابل اطلاق است. می‌توان جعل عمیق را «داده مجعول» دانست.	۱. قانون تنها «جرم‌انگاری» می‌کند؛ تنظیم‌گری فرهنگی نیست. ۲. جعل ر قومی در تولید فیلم گاه مشروع و هنری است (جوان‌سازی، و ...) قانون تفاوت نمی‌گذارد. ۳. جعل عمیق هنری با جعل عمیق آسیب‌رسان تمایز ندارد.
قانون جرایم رایانه‌ای ماده (۱۸)	سو-استفاده از داده‌ها، انتشار محتوای خلاف واقع.	به‌صورت محدود قابل اطلاق.	۱. انتشار محتوای دستکاری‌شده توسط هوش مصنوعی لزوماً «مجرمانه» نیست (مثلاً در فیلم). ۲. جرم بودن = شفافیت لازم برای مصرف‌کننده نیست. ۳. این قانون الگوریتم‌های توصیه‌گر، اتوماسیون تولید، یا حقوق بازیگر را پوشش نمی‌دهد.
قانون جرایم رایانه‌ای ماده (۲۱)	محافظت از حریم خصوصی و داده‌های افراد.	قابل اطلاق است اما ناکافی.	۱. قانون درباره «داده‌های آموزشی» مدل‌ها سخنی ندارد. ۲. استفاده از چهره بازیگران برای آموزش مدل‌ها فاقد ممنوعیت یا الزام رضایت است. ۳. مالکیت داده چهره و صدا تعریف نشده است.

مأخذ: همان.

■ جمع‌بندی استدلالی

بر اساس تحلیل جدول فوق، کاستی‌های نظام حقوقی ایران در برخورد با آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی در صنعت فیلم و سریال را می‌توان به‌صورت نکته‌ای چنین جمع‌بندی کرد:

الف) عدم انطباق مبانی قانون مصوب سال ۱۳۴۸ با واقعیت تولیدهای هوش مصنوعی

قانون مبتنی بر «پدیدآورنده انسانی» است؛ حال آنکه در آثار هوش مصنوعی نقش خالق، کاربر، برنامه‌نویس، صاحب داده آموزشی می‌توانند متفاوت باشند. لزوماً همه نقش‌ها، پدیدآورنده موضوع قانون سال ۱۳۴۸ نیستند. از این رو قانون هیچ‌گونه معیار مالکیت یا تقسیم حقوق ارائه نمی‌دهد.

ب) عدم وجود حق مستقل برای چهره و صدای دیجیتال (رقومی)

نه قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان و نه قانون جرائم رایانه‌ای حق شبیه‌سازی، حق کنترل هویت دیجیتال (رقومی)، حق منع یادگیری مدل با داده چهره بازیگر را به رسمیت نشناخته‌اند. در حالی که در کشورهای پیش‌رو این موضوع مهم‌ترین رکن تنظیم‌گری است.

پ) نبود الزام‌های شفافیت برای الگوریتم‌ها

در حال حاضر سکوها ملزم نیستند منطبقاً بر توصیه محتوا، نوع داده‌های آموزشی، یا میزان استفاده از هوش مصنوعی در تولید را اعلام کنند. این خلأ بزرگ‌ترین تهدید برای حکمرانی فرهنگی است.

ت) قانون جرایم رایانه‌ای صرفاً رویکرد کیفری دارد، نه تنظیم‌گرانه

جرم‌انگاری جعل، راه‌حل حکمرانی نیست. جعل هنری مجاز است، جعل مجرمانه ممنوع است. ولی قانون این دورا از هم تفکیک نمی‌کند. در نتیجه، صنعت فیلم با عدم قطعیت حقوقی مواجه می‌شود.

ث) فقدان مقررات مکمل صنفی و اجرایی

در قوانین جاری صنوف و اتحادیه‌های بازیگران، کارگردان‌ها، صدابرداران، تدوین‌گران و ... هیچ مقرره‌ای درباره هویت دیجیتال (رقومی)، استفاده از داده هنرمندان یا قواعد هوش مصنوعی ندارند. در حالی که در ایالات متحده و انگلیس، ستون اصلی تنظیم‌گری همین نهادهاست. در مجموع، نظام حقوقی ایران در این حوزه با سه خلأ اساسی مواجه است:

■ **فقدان تعریف حقوقی اثر تولیدشده با هوش مصنوعی** آیا اثر هنری تولیدشده توسط ماشین مشمول حمایت است؟ اگر بله، چه کسی مالک آن است؟

■ **نبود مقررات خاص برای حقوق تصویر، صدا و بازیگر مجازی** (حق شبیه‌سازی هنوز به رسمیت شناخته نشده است).

■ **نبود الزام قانونی برای شفافیت الگوریتم‌های توصیه‌گر، مالکیت داده، یا ساختارهای مشارکت صنفی در سیاستگذاری هوش مصنوعی.**

۴-۴. چالش‌های حکمرانی

ساختار حکمرانی فناوری‌های نوظهور در کشور - و به‌ویژه در تقاطع حساس میان هوش مصنوعی و فرهنگ - با معضلاتی چندلایه روبه‌روست. وجود این چالش‌ها موجب شده است که امکان طراحی سیاست‌های جامع، مشارکتی و پاسخ‌گو برای مدیریت پیامدهای اجتماعی و فرهنگی هوش مصنوعی فراهم نباشد. این مسائل را می‌توان در چهار سطح دسته‌بندی و تحلیل کرد:

۱-۴-۴. چالش‌های مأموریتی: فقدان نگاه فرهنگی در سیاستگذاری فناوری

در حالی که اسناد سیاستی بالادستی چون سند ملی توسعه هوش مصنوعی اهداف مهمی همچون ارتقای جایگاه جهانی، بومی‌سازی فناوری و توسعه کاربردهای هوش مصنوعی را دنبال می‌کنند، اما نگاه آنها عمدتاً فناورانه و اقتصادی است. ابعاد فرهنگی، حقوقی، اخلاقی و اجتماعی هوش مصنوعی به‌صورت نظام‌مند در این اسناد مورد کم‌توجهی یا بی‌توجهی قرار گرفته است. این فقدان، به انقطاع میان حوزه سیاستگذاری فناوری و سیاستگذاری فرهنگی منجر شده است. به‌عنوان مثال، هیچ‌یک از برنامه‌های کلان فناوری در کشور، به مسئله جعل عمیق، حقوق بازیگر مجازی، یا الگوریتم‌های توصیه‌گر در سکوه‌های وی‌اودی توجه نکرده‌اند. در عمل، حوزه فرهنگ در مواجهه با هوش مصنوعی بدون نقشه‌راه و بدون مداخله هماهنگ باقی مانده است.

۲-۴-۴. چالش‌های نهادی: پراکندگی مسئولیت و فقدان تنظیم‌گر مستقل

نهادهای متعددی در سیاستگذاری فناوری یا فرهنگ درگیر هستند: شورای عالی انقلاب فرهنگی، معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری، شورای عالی فضای مجازی، ساترا، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان سینمایی و ... اما هیچ‌یک به‌طور مستقل یا بین‌نهادی مسئولیت تنظیم‌گری هوش مصنوعی در فرهنگ را بر عهده ندارند. از یک سو، ساترا به‌عنوان نهاد تنظیم‌گر حوزه صوت و تصویر فراگیر، فاقد استقلال حقوقی روشن بوده و ورود به حوزه فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی خارج از حوزه صلاحیت نظارتی صداوسیما قرار دارد. از سوی دیگر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان سینمایی بیشتر درگیر مسائل تولید، مجوزدهی و جشنواره هستند و هنوز به تنظیم‌گری فناوری به‌مثابه یک وظیفه حکمرانی نگاه نمی‌کنند.

فقدان یک نهاد واسط، چندکنشگر، تخصص‌محور و بین‌حوزه‌ای، که بتواند گفت‌وگو میان سیاستگذار، صنف، فناور و مصرف‌کننده را تسهیل کند، یکی از اصلی‌ترین گره‌های حکمرانی هوش مصنوعی در حوزه تصویر در ایران است.

۳-۴-۴. چالش حقوقی: عقب‌ماندگی قوانین نسبت به فناوری

قوانین اصلی مرتبط با مالکیت فکری، تولید محتوا و جرائم رایانه‌ای در کشور، مربوط به دهه‌های گذشته هستند (قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، قانون جرائم رایانه‌ای). این قوانین هیچ تعریفی از اثر تولیدشده توسط ماشین ندارند، مالکیت داده‌های آموزشی



برای مدل‌های هوش مصنوعی را روشن نمی‌کنند، حقوق تصویر و صدا افراد (شخصیت حقیقی یا بازیگر) را در برابر بازتولید هوش‌محور پوشش نمی‌دهند و هیچ الزام قانونی برای برچسب‌گذاری محتوای مصنوعی یا شفافیت الگوریتم‌های توصیه‌گر در آنها وجود ندارد. در نتیجه، قوانین موجود ناتوان از حفاظت از اصالت هنری، حقوق صنفی و منافع عمومی در برابر تحولات فناورانه هستند. این شکاف، نه تنها مخاطبان را در معرض محتوای جعلی یا مغرضانه قرار می‌دهد، بلکه هنرمندان را نیز از امکان دفاع حقوقی در برابر استفاده بدون رضایت از چهره یا صدای خود محروم می‌سازد.

۴-۴-۴. شکاف مشارکتی: مشارکت پایین صنوف و بخش مردمی در فرایند سیاستگذاری

در اغلب تجارب موفق جهانی، تنظیم‌گری در حوزه فرهنگ با مشارکت فعال صنوف، انجمن‌های تخصصی، نهادهای اجتماعی و حتی مخاطبان طراحی می‌شود (نظیر مشارکت اتحادیه بازیگران در آمریکا یا حقوق/قاعده انصاف^۱ در انگلیس). اما در اغلب مراکز تصمیم‌گیری، چنین سازوکارهایی یا وجود ندارند یا اگر وجود دارند، در فرایند سیاستگذاری نقش مستقیم ندارند. در بخشی از ساختارهای رسمی کرسی مشخص و حق رأی یا مداخله نهادی برای بخش‌های خصوصی و غیردولتی تعبیه نشده است. خانه سینما، انجمن‌ها و اصناف (نویسندگان، بازیگران یا تهیه‌کنندگان) تاکنون در قالب مؤثر در طراحی سیاست‌های مرتبط با فناوری دیده نشده‌اند. در میان اعضای شورای ملی راهبری و تأسیس سازمان ملی هوش مصنوعی (مصوب سال ۱۴۰۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی) جایی برای صاحبان فناوری در بخش خصوصی و غیردولتی دیده نشده است. حتی در سطح رسانه‌ای نیز، بحث عمومی درباره پیامدهای فرهنگی هوش مصنوعی به صورتی غیر مؤثر و ضعیف شکل گرفته است. کمبود مشارکت صنفی و مردمی، به کاهش مشروعیت تصمیم‌ها، افزایش مقاومت اجتماعی و کاهش کارایی مقررات در مواجهه با پیچیدگی‌های هوش مصنوعی منجر شده است. این شکاف، امکان یادگیری حکمرانی و بازتولید اعتماد میان دولت و بدنه فرهنگی را تضعیف می‌کند.

چالش‌های چهارگانه فوق، در عمل به وضعیت دوگانه‌ای منجر شده‌اند که از یک سو هوش مصنوعی به‌طور فزاینده وارد زنجیره‌های فرهنگی شده و از سوی دیگر نظام حکمرانی فرهنگ همچنان در چارچوب‌های سنتی و غیرفراگیر باقی مانده است. این ناترازی، تهدیدی جدی برای اصالت خلاقیت، حقوق هنرمندان، اعتماد مخاطبان و کیفیت و مصونیت فرهنگی در آینده نزدیک خواهد بود.

۵. پیشنهاد‌های سیاستی برای حکمرانی هوش مصنوعی در صنعت نمایش خانگی ایران

۵-۱. سیاستگذاری: طراحی کلان، تعیین نهادی و هم‌راستاسازی حوزه فناوری و فرهنگ

نخستین گام برای مواجهه فعال با تحولات هوش مصنوعی در صنعت نمایش خانگی، طراحی سیاست‌های کلان منسجم، میان‌بخشی و مبتنی بر شناخت دوگانه زنجیره فناوری و زنجیره تولید فرهنگی است. در کشورمان، به‌رغم وجود سند ملی توسعه هوش مصنوعی، ملاحظات فرهنگی، حقوق خلاقیت و پیامدهای رسانه‌ای این فناوری به‌طور جدی در سیاستگذاری کلان لحاظ نشده‌اند. از این رو، اقدام‌های ذیل ضروری به نظر می‌رسد:

۱. تدوین سند مکمل با عنوان «راهبرد ملی هوش مصنوعی در صنایع فرهنگی» در دستور کار قرار گیرد؛ سندی که هم‌راستا با سند ملی هوش مصنوعی، اما با تمرکز بر حوزه‌هایی چون سینما، تلویزیون، موسیقی، سکویهای محتوایی و خدمات رسانه‌ای تدوین شود. این سند باید چارچوب

کلی^۱ (که در بخش‌های پیشین مورد اشاره قرار گرفت) استفاده از هوش مصنوعی در خلق، توزیع، تنظیم و مصرف فرهنگی را مشخص کرده و ملاحظات اخلاقی، حقوقی و اجتماعی را در طراحی ابزارهای فناورانه وارد کند.

۲. تعریف مفهومی «اثر تولیدشده با مشارکت هوش مصنوعی» سیاست‌گذاری فرهنگی مورد اهتمام قرار گیرد. تفکیک میان آثار تماماً انسانی، آثار ترکیبی و آثار تماماً ماشینی در کلیه نظام‌های ارزیابی، حمایت و مجوزدهی تعبیه شود.^۲

۳. سیاستگذاران حوزه‌های مرتبط با هوش مصنوعی و فرهنگ باید مأموریت‌های نهادی خود را بازبینی کرده و نقش نهادهای غیردولتی را به رسمیت بشناسند.

۴. ایجاد کارگروه ملی سیاست‌پژوهی هوش مصنوعی در فرهنگ و رسانه با حضور نمایندگان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ساترا، معاونت علمی، فناوری و دانش بنیان، سکوهاهای داخلی، خانه سینما، دانشگاهیان و فعالان فرهنگی، گامی کلیدی برای هماهنگی میان نهادهای پراکنده است. این کارگروه می‌تواند به صورت دوره‌ای دستور کارهای تحولی را بررسی و پیشنهادهای سیاستی را تدوین کند. این نهادسازی می‌تواند توسط سازمان ملی هوش مصنوعی و با مشارکت نهادهای مشاوره سیاستی این حوزه تشکیل یا راهبری شود.

۵. در سطح اجرایی، طراحی مشوق‌ها و حمایت مالی هدفمند از پروژه‌های هنری تلفیقی (هوش مصنوعی و هنرمند) نظیر حمایت از خلاقیت فناورانه (ذیل صندوق‌های موجود نظیر صندوق اعتباری هنر)، به توسعه نمونه‌های بومی از کاربرد اخلاق مدار و نوآورانه هوش مصنوعی در صنعت تصویر کمک خواهد کرد. حمایت باید منوط به رعایت اصول شفافیت، رضایت آگاهانه و مشارکت انسانی باشد.

۲-۵. تنظیم‌گری: بازتعریف قواعد حقوقی، نهادسازی مستقل و شفاف‌سازی الگوریتم‌ها

تنظیم‌گری در عصر فناوری‌های مولد، دیگر صرفاً به معنای اعمال کنترل از بالا نیست، بلکه فرایندی است میان کنشگرانه که باید میان خلاقیت، سلامت فرهنگی و هنری و عدالت رسانه‌ای توازن برقرار کند. کشور در این حوزه با خلأهای جدی حقوقی، نهادی و ابزاری مواجه است. برای ارتقای کیفیت تنظیم‌گری، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. تنظیم‌گری تخصصی و حرفه‌ای برای هوش مصنوعی در محصولات صنایع فرهنگی ضرورت دارد؛ نهادی مستقل یا میان‌بخشی که فراتر از حوزه صلاحیت فعلی ساترا عمل کرده و توانایی تدوین مقررات، ارزیابی ابزارها، رتبه‌بندی سکوها و رسیدگی به تخلفات را داشته باشد. ساختار این نهاد باید مشارکتی، شفاف و متصل به بدنه صنفی و پژوهشی باشد.

۲. بازنویسی قوانین حقوقی در حوزه مالکیت فکری با افزودن «حقوق تصویر، صدا و هویت دیجیتال (رقومی)» یکی از فوری‌ترین مداخلات حقوقی است. استفاده از چهره، صدای افراد یا شبیه‌سازی آنها باید مشروط به رضایت آگاهانه و پرداخت حق الزحمه مشخص شود و استفاده غیرمجاز مشمول مجازات قانونی باشد.

۳. مقررات الزام‌آور برای برچسب‌گذاری محتوای مصنوعی باید تدوین و اجرا شوند. سکوها موظف باشند اعلام کنند که آیا محتوای منتشرشده تماماً یا بخشی از آن با هوش مصنوعی تولید شده و چه مدل یا ابزارهایی در آن استفاده شده است. چنین الزام‌هایی می‌توانند در قالب دستورالعمل اجرایی با ضمانت پیوستن به نظام مجوزدهی یا رده‌بندی محتوا اعمال شوند.

۴. شفاف‌سازی الگوریتم‌های پیشنهادگر یکی از حساس‌ترین حوزه‌های حکمرانی فرهنگی و رسانه‌ای در جهان امروز است. باید مقرراتی وضع شود که سکوها حداقلی از اطلاعات درباره منطق عملکرد الگوریتم، معیارهای انتخاب محتوا، و سوگیری‌های احتمالی در توصیه‌ها را به کاربران و نهادهای نظارتی اعلام کنند.

۵. تدوین آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای برای تولید محتوای فرهنگی با کمک هوش مصنوعی (در سطح صنف و با پشتیبانی و نظارت دولت)

۱. به پیوست درباره این چارچوب کلی توضیح داده شده است.

۲. به پیوست تعاریف مفهومی و عملیاتی پیشنهاد شده است.



می‌تواند به‌عنوان ابزار خودتنظیمی مشارکتی، از بروز برخی تعارضات جلوگیری کند. این آیین‌نامه باید شامل اصولی چون رضایت، شفافیت، اصالت هنری و حفاظت از اعتبار انسانی باشد.

۳-۵. ارائه خدمات: توسعه زیرساخت‌های بومی، توانمندسازی تولیدکنندگان و تسهیل ابزارهای فناورانه

ارائه خدمات در حکمرانی فرهنگی صرفاً به‌معنای حمایت مالی یا تخصیص بودجه نیست، بلکه فراهم کردن زیرساخت‌ها، ابزارها و ظرفیت‌هایی است که بازیگران مختلف-اعم از هنرمندان، سکوها، شرکت‌های دانش‌بنیان و خلاق و گروه‌های مستقل- بتوانند به شیوه‌ای مسئولانه و نوآور از فناوری استفاده کنند.

۱. طراحی پایگاه داده فرهنگی ملی برای آموزش مدل‌های هوش مصنوعی گامی اساسی است. این پایگاه باید براساس معیارهای اخلاقی، رضایت حقوقی پدیدآورندگان و استانداردهای فنی تهیه شود تا شرکت‌های داخلی به‌جای استفاده از داده‌های غیرشفاف یا ناقص حقوق، از منابع بومی امن استفاده کنند.

۲. حمایت از تولید و ارائه رابط‌های برنامه‌نویسی کاربردی (API) خلاق برای استفاده هنرمندان، فیلم‌سازان، طراحان و نویسندگان ضرورت دارد. این ابزارها می‌توانند شامل تولید موسیقی، ویرایش صدا، جلوه‌های ویژه، فیلم‌نامه‌نویسی و تحلیل داده مخاطب باشند. شرکت‌های فناور فرهنگی باید با حمایت مالی، حقوقی و تبلیغی دولت و بخش خصوصی به این بازار وارد شوند.

۳. راه‌اندازی مراکز نوآوری بین‌رشته‌ای در تقاطع هنر، فناوری و علوم انسانی در دانشگاه‌های هنری، رسانه‌ای و مهندسی کشور، فرصتی برای پرورش نسل جدید هنرمندان آشنا با هوش مصنوعی است. این مراکز می‌توانند تولید مشترک، آموزش تخصصی و انتقال دانش را تسهیل کنند.

۴. تدوین نظام اعتبارسنجی آثار مبتنی بر هوش مصنوعی^۱ به‌عنوان جایگزین یا مکمل نظام سنتی مجوزدهی ضروری است. در این نظام، کیفیت محتوای تولیدشده با هوش مصنوعی از منظر اصالت، شفافیت، مخاطب‌پسندی و رعایت اصول اخلاقی ارزیابی شده و براساس آن، مشوق‌ها یا محدودیت‌هایی اعمال می‌شود.

۵. توسعه خدمات مشاوره حقوقی تخصصی برای هنرمندان و صاحبان اثر در حوزه هوش مصنوعی (شامل قراردادها، مالکیت، شبیه‌سازی و...)

۱. در نظام اعتبارسنجی آثار مبتنی بر هوش مصنوعی، هدف آن است که سازوکاری جایگزین یا مکمل مجوزدهی سنتی ایجاد شود که بتواند کیفیت آثار تولیدشده با الگوریتم‌ها و مدل‌های مولد را با معیارهای دقیق‌تری ارزیابی کند. در تولیدات مبتنی بر هوش مصنوعی، مسئله اصالت، شفافیت فرایند تولید و مخاطب‌پسندی اهمیت دوچندان می‌یابد؛ زیرا محتوایی که بدون حضور مستقیم عوامل انسانی خلق می‌شود، ممکن است با چالش‌هایی مانند تکرار پذیری، تحریف واقعیت، یا دستکاری شناختی مخاطب روبه‌رو شود. این نظام به‌جای تمرکز صرف بر هویت عوامل تولید (کارگردان، فیلم‌نامه‌نویس و غیره)، بر «چگونگی تولید محتوا» و «رفتار الگوریتم» تأکید دارد و به‌صورت پویا براساس شواهد، داده‌ها و شاخص‌های فنی-اخلاقی به ارزیابی اثر می‌پردازد.

یکی از عناصر اصلی این نظام، اعتبارسنجی اصالت و منبع‌پذیری محتوا است. آثار مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند ترکیبی از داده‌های آموزشی بسیار گسترده باشند و احتمال روگرفت غیرمجاز، بازتولید ناخواسته سبک‌های شخصی، یا استفاده از چهره و صدای افراد بدون رضایت وجود دارد. بنابراین لازم است در این نظام، مجموعه‌ای از آزمون‌های فنی برای تشخیص اصالت اثر، میزان دستکاری، میزان استفاده غیرمجاز از تصاویر و متون و الگوریتم‌های تشخیص جعل عمیق تعریف شود. این آزمون‌ها می‌توانند به‌عنوان «گواهی اصالت دیجیتال (رقومی)» برای اثر صادر شوند و به نهادهای ناظر، سکوها و مخاطبان اطمینان دهند که اثر از استانداردهای پایه عبور کرده است. بعد دیگر این نظام، شفافیت در فرایند تولید و افشای نقش هوش مصنوعی است. در این بخش، تولیدکنندگان ملزم می‌شوند سطح و نوع مداخله هوش مصنوعی را در مراحل مختلف تولید (پیش تولید، تولید و پس تولید) مشخص کنند؛ از جمله استفاده از مدل‌های مولد تصویر و ویدئو، سیستم‌های تکمیل خودکار فیلم‌نامه، شبیه‌سازی بازیگران، یا ابزارهای ویرایش خودکار. این شفافیت به تنظیم‌گران کمک می‌کند تا تمایز میان «اثر مشترک انسان-ماشین» و «اثر تماماً ماشینی» را بشناسند و براساس آن، قواعد اخلاقی و حقوقی مناسب را اعمال کنند. همچنین مخاطبان می‌توانند آگاهانه تصمیم بگیرند که با چه نوع تولیدی مواجه‌اند و چه سطحی از مداخله الگوریتم را می‌پذیرند. نظام اعتبارسنجی همچنین معیارهای مخاطب‌پسندی و اثرگذاری شناختی را در نظر می‌گیرد. از آنجا که محتوای مبتنی بر هوش مصنوعی می‌تواند توانایی بالایی در شخصی‌سازی، تحریک عاطفی و القای پیام‌های دقیقاً هدف‌گیری شده داشته باشد، لازم است آثار از منظر رعایت سلامت روانی مخاطب، پرهیز از دستکاری عاطفی شدید، جلوگیری از الگوریتم‌های سوگیرانه و رعایت حساسیت‌های فرهنگی ارزیابی شوند. این بخش می‌تواند شامل تحلیل‌های عصب-شناختی، روان‌شناختی یا تحلیل داده‌های تعامل کاربران باشد تا مشخص شود اثر چه تأثیری بر الگوهای توجه، هیجان و برداشت مخاطب می‌گذارد. در نهایت، این نظام با تجمیع امتیازها و رتبه‌بندی آثار، مشوق‌ها و محدودیت‌هایی را اعمال می‌کند. آثاری که امتیاز بالایی در اصالت، اخلاق، شفافیت و مخاطب‌پسندی کسب کنند، می‌توانند از مزایایی مانند صدور سریع‌تر مجوز انتشار، حمایت مالی یا امکان پخش گسترده در پلتفرم‌های خانگی بهره‌مند شوند. در مقابل، آثاری که مخاطره اخلاقی یا حقوقی بیشتری دارند، ممکن است ملزم به بازبینی، اصلاح محتوا، یا اخذ مجوزهای تکمیلی شوند. این رویکرد باعث می‌شود تولیدکنندگان به سمت توسعه مدل‌های هوش مصنوعی مسئولانه‌تر، دادگان شفاف‌تر و روش‌های تولید اخلاق مدار حرکت کنند و نظام حکمرانی جدیدی شکل گیرد که هم از نوآوری حمایت می‌کند و هم از مخاطب و زیست‌بوم فرهنگی حفاظت می‌کند.

با حمایت دولت یا سمن‌های حرفه‌ای، ضرورتی مهم برای حفاظت از منافع خلاقان در فضای پرمخاطره فعلی است.

۴-۵. تسهیل‌گری: ظرفیت‌سازی میان‌بخشی، گفت‌وگوی اجتماعی و اتصال به شبکه‌های جهانی

تسهیل‌گری در حکمرانی فرهنگی به معنای ایجاد فضا، انگیزش و ساختار برای همکاری داوطلبانه، نوآورانه و میان‌رشته‌ای است. از این رو نیازمند رویکرد تسهیل‌گرانه در مواجهه با فناوری‌هایی هستیم که نه با اجبار دولتی و نه با رهاسازی بازار مهار نمی‌شوند. در این چارچوب:

۱. توانمندسازی صنوف برای ایفای نقش سیاست‌یار از طریق آموزش حقوقی، فناورانه و حکمرانی ضروری است. خانه سینما، انجمن‌های تخصصی و اتحادیه‌های رسانه‌ای می‌توانند در فرایند سیاست‌گذاری رسمی حضور مؤثرتری داشته باشند، نه صرفاً به‌عنوان ذی‌نفع نهایی.
۲. برگزاری برنامه‌های سواد فرهنگی-فناورانه عمومی برای مخاطبان با هدف آگاه‌سازی نسبت به محتوای مصنوعی، جعل عمیق، سوگیری الگوریتمی و حقوق کاربران، باید توسط رسانه‌ها، وزارت آموزش و پرورش، سکوها و سمن‌ها اجرا شود. این آموزش، شرط لازم برای حکمرانی مسئولانه و مبتنی بر اعتماد است.

۳. حمایت از مشارکت استارت‌آپ‌ها (شرکت‌های نوپا و نوآور)، هنرمندان متعهد و گروه‌های بین‌رشته‌ای در رقابت‌های جهانی و پروژه‌های بین‌المللی در حوزه هنر مبتنی بر هوش مصنوعی موجب ارتقای کیفی تولیدات ایرانی و تقویت هویت خلاق فناورانه کشور خواهد شد.
۴. تأسیس رصدخانه ملی هوش مصنوعی در فرهنگ و رسانه با مشارکت پژوهشگران، صنوف و نهادهای دولتی برای پایش تحولات فناورانه، رصد مخاطره‌های اخلاقی و انتشار گزارش‌های هشداردهنده به سیاست‌گذاران می‌تواند جایگاه مهمی در حکمرانی آینده‌نگر داشته باشد.

۵-۵. چشم‌انداز آینده

در آینده‌ای نه‌چندان دور، تولیدات فرهنگی به‌ویژه نمایش خانگی در بسترهایی کاملاً الگوریتمی تولید، توزیع و مصرف خواهند شد. بازیگرانی که وجود خارجی ندارند، مخاطبانی که از طریق سیستم‌های توصیه‌گر زیست رسانه‌ای خود هدایت می‌شوند و آثاری که هم‌زمان برای ده‌ها فرهنگ بومی سازی شده‌اند، چهره رسانه را تغییر خواهند داد. در چنین جهانی، تنها کشورهایی که بتوانند چارچوب‌های حکمرانی اخلاق‌مدار، خلاقیت‌محور و چندوجهی طراحی کنند، خواهند توانست از ظرفیت‌های اقتصادی، هویتی و دیپلماتیک فرهنگ بهره‌برداری کنند. برای کشور ما، این مسیر نیازمند ارتقای زیرساخت‌های سیاست‌گذاری داده‌محور، بازطراحی نهادهای تنظیم‌گر در حوزه هنر، رسانه و فناوری، همگرایی حقوقی میان قوانین فناوری، فرهنگ و مالکیت، سرمایه‌گذاری هوشمند در آموزش، نوآوری و استانداردها و مشارکت فعال در تنظیم‌گری جهانی هوش مصنوعی است. تنها با ترکیب این مؤلفه‌هاست که ایران ما می‌تواند به جایگاه فعال و نه منفعل، مولد و نه مصرف‌کننده، اخلاقی و نه منفعت‌محور در اقتصاد فرهنگ آینده دست یابد.



جدول ۴. ماتریس تلفیقی سه‌گانه (کارکردهای حکمرانی × زنجیره ارزش محتوا × زنجیره ارزش هوش مصنوعی)

کارکرد حکمرانی / مراحل زنجیره ارزش محتوا	ایده‌پردازی و توسعه محتوا	پیش‌تولید	تولید	پس‌تولید	توزیع و شخصی‌سازی	بازاریابی و تحلیل مخاطب
سیاستگذاری	د: استانداردهای آموزشی؛ حقوق مؤلف در داده‌ها م: شفافیت مدل‌های زبانی؛ کنترل سوگیری در تولید ایده س: چارچوب اخلاقی استفاده از AI	د: چارچوب داده‌های صحنه و متاداده‌ها م: استاندارد مدل‌های طراحی تولید / انتخاب بازیگر س: سیاست تعامل انسان-ماشین	د: داده تصویر / صوت با رعایت حریم خصوصی م: مدل‌های تشخیص چهره / حرکت س: استاندارد ایمنی دیجیتال (رقومی)	د: بانک داده جلوه‌های ویژه م: مدل‌های تولید تصویر / ویدئو؛ کنترل کیفیت س: سیاست ضد جعل عمیق	د: داده مخاطبان و محدودیت حریم خصوصی م: مدل‌های توصیه‌گر؛ پیشگیری از تبعیض س: الزام شفافیت الگوریتمی	د: داده رفتار مخاطب؛ ذخیره‌سازی امن مدل‌های تحلیل پیش‌بین س: سیاست‌های امنیت داده
تنظیم‌گری	د: نظارت بر داده آموزشی؛ ضد سوگیری م: ممیزی مدل‌های تولید محتوا س: قواعد شفافیت در محتوای AI	د: پایش داده پیش‌تولید م: کنترل تبعیض مدل انتخاب بازیگر س: مقررات ابزارهای AI	د: مدیریت داده تصویر برداری م: ممیزی تشخیص چهره / حرکت س: مقررات AI در تولید	د: کنترل بانک داده بازیگران / دارایی‌ها م: ممیزی مدل‌های جعل عمیق س: مقررات اصالت صوت / تصویر	د: کنترل داده مخاطب م: ممیزی توصیه‌گرها؛ تبیین پذیری س: مقررات جلوگیری از تبعیض الگوریتمی	د: نظارت بر داده تبلیغات م: ممیزی مدل‌های تحلیل بازار س: مقررات تبلیغات هدفمند
ارائه خدمات عمومی	د: مخزن داده باز برای تولیدکنندگان م: مدل‌های متن‌باز فیلمنامه‌نویسی س: سکوی‌های دولتی تولید محتوا	د: داده استاندارد طراحی صحنه م: ابزارهای عمومی AI س: زیرساخت دولتی مدیریت پروژه هوشمند	د: ابزارهای مدیریت داده تولید م: سیستم‌های AI س: کمک‌کارگردان زیرساختی محاسباتی مشترک	د: مخزن ملی asset های (دارایی‌های) دیجیتال (رقومی) م: موتورهای پردازش AI کم‌هزینه س: زیرساخت دولتی GPU	د: داده شفاف سکوی‌های عمومی م: مدل‌های توصیه‌گر عمومی س: سازوکارهای اعتمادساز	د: داشبورد داده پژوهشی م: مدل‌های تحلیل رفتار API س: گزارش‌دهی
تسهیل‌گری	د: دسترسی استارت‌آپ‌ها به داده م: همکاری با آزمایشگاه‌های AI س: محیط آزمون مقرراتی	د: تسهیل دسترسی به داده‌های پیش‌تولیدی م: شتاب‌دهی ابزارهای طراحی AI س: همکاری دولتی-خصوصی	د: داده تولید قابل دسترسی م: توسعه مدل‌های تولیدی برای ضبط تولید هوش‌محور	د: بازار داده دارایی‌ها م: همکاری شرکت‌های AI و VFX س: استاندارد مشترک رندر	د: تعامل داده میان سکوها م: توسعه مدل‌های توصیه‌گر مستقل س: محیط آزمون تست الگوریتم	د: بازار داده ناشناس مخاطب م: توسعه مدل‌های تحلیل بازار س: سیاست‌های تبادل امن داده

*در هر سلول، سه جزء از زنجیره ارزش هوش مصنوعی به صورت منسجم آمده است (د=داده، م=مدل و الگوریتم، س=استقرار و حاکمیت).

مأخذ: همان.



پیوست ۱. چارچوب کلی راهبرد ملی هوش مصنوعی در صنایع فرهنگی

«راهبرد ملی هوش مصنوعی در صنایع فرهنگی» باید به‌منزله سندی مکمل و بخشی تخصصی از سند ملی هوش مصنوعی عمل کند؛ به این معنا که اصول مشترک حاکم بر توسعه فناوری در کشور را حفظ کرده و در عین حال، اقتضائات ویژه حوزه‌های سینما، تلویزیون، موسیقی، نشر دیجیتال (رقومی)، سکویهای نمایش خانگی و سکویهای توزیع محتوا را تبیین کند. در این چارچوب، نقطه آغاز باید فهم این واقعیت باشد که صنایع فرهنگی، برخلاف بسیاری از بخش‌های صنعتی یا خدماتی، از یک سو به شدت «دانش بر و داده‌محور» و از سوی دیگر «هویت‌محور و ارزش‌محور» هستند. از این رو، اتخاذ رویکردی که هم نوآوری فناورانه را تسهیل کند و هم نسبت به پیامدهای فرهنگی و اجتماعی هوش مصنوعی حساس باشد، ضرورتی بنیادین دارد. این سند باید بر این اصل استوار باشد که فناوری، جایگزین فرهنگ نیست، بلکه ابزاری برای تقویت ظرفیت‌های خلاقه و روایت‌ساز ملی به شمار می‌آید.

در سطح مأموریت، این سند باید سه محور کلیدی را مشخص کند:

اول، ارتقای توانمندی‌های تولید محتوا از طریق به‌کارگیری هوش مصنوعی در مرحله خلق، شامل ابزارهای فیلمنامه‌نویسی هوشمند، تولید بصری مولد، پردازش صدا و تصویر و بازآفرینی دیجیتال (رقومی).

دوم، تقویت زیرساخت‌های توزیع و نمایش با بهره‌گیری از الگوریتم‌های توصیه‌گر بومی، تحلیل مخاطب، شخصی‌سازی خدمات و بهینه‌سازی زنجیره ارزش محتوا.

سوم، ایجاد چارچوب‌های تنظیم‌گری و نظارت برای تضمین سلامت فرهنگی زیست‌بوم دیجیتال (رقومی)، از جمله شفافیت الگوریتم‌ها، حفاظت از داده‌های فرهنگی و حراست از حقوق صنفی هنرمندان در عصر هوش مصنوعی. این سه محور باید به‌عنوان بنیان معماری سند راهبردی طراحی شوند تا هم‌زمان مسیر توسعه و مسیر کنترل پیامدها را مدیریت کنند.

از لحاظ اخلاقی و حقوقی، این سند باید «چارچوب هویت دیجیتال (رقومی) فرهنگی» را به‌وضوح روشن سازد؛ چارچوبی که تکلیف مالکیت داده‌های مربوط به چهره، صدا، متن و تصویر را مشخص کرده و مرزبندی میان خلق انسانی و خلق ماشینی را شفاف سازد. این سند باید سازوکارهای رضایت آگاهانه، حق شبیه‌سازی، برچسب‌گذاری محتوای تولیدشده با هوش مصنوعی و اصول استفاده اخلاقی از داده‌های هنرمندان و مصرف‌کنندگان را تعریف کند؛ به‌گونه‌ای که هم امنیت فرهنگی جامعه حفظ شود و هم اعتماد صنف هنری به فناوری افزایش یابد. علاوه بر این، سند باید تمایز میان کاربردهای کم‌مخاطره و پر‌مخاطره هوش مصنوعی در صنایع فرهنگی را تعیین کرده و متناسب با آن، الزام‌های مرحله‌بندی‌شده‌ای برای شفافیت، ممیزی، کنترل سوگیری و پاسخ‌گویی سکوها ارائه دهد. در نهایت، راهبرد ملی باید با نگاه آینده‌نگر، ظرفیت‌های اقتصادی و زیست‌بوم نوآوری صنایع فرهنگی را تقویت کند. این امر شامل حمایت از توسعه ابزارهای بومی تولید و پساتولید مبتنی بر هوش مصنوعی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت داده و پردازشگر برای استودیوهای کوچک و متوسط، ایجاد شتاب‌دهنده‌های تخصصی حوزه فرهنگ دیجیتال (رقومی) و ارتقای مهارت‌های نیروی انسانی در تعامل خلاق با ماشین است. سند باید مسیر تبدیل شدن ایران به تولیدکننده فناوری‌های فرهنگی - رسانه‌ای مبتنی بر هوش مصنوعی را ترسیم کند؛ نه صرفاً مصرف‌کننده آن. تولید دانش، تقویت رقابت‌پذیری سکویهای داخلی، ایجاد بازارهای داده فرهنگی و ایجاد نهادهای میانجی برای حل اختلافات هویتی - دیجیتال (رقومی)، از الزام‌های این مسیر است. این چارچوب کلی موجب می‌شود سند پیشنهادی، نه به فهرست توصیه‌های پراکنده، بلکه به «نقشه راه جامع حکمرانی و توسعه هوش مصنوعی در صنایع فرهنگی» تبدیل شود؛ نقشه‌ای که بتواند نسبت میان خلاقیت، فناوری و هویت فرهنگی را در دهه آینده به‌صورت سیاست‌پذیر و قابل اجرا مدیریت کند.



پیوست ۲. تعاریف مفهومی و عملیاتی انواع آثار مبتنی بر نقش هوش مصنوعی در آنها

۱. اثر تماماً انسانی

تعریف مفهومی: اثری است که در تمامی مراحل خلق، پردازش و تولید، نقش خلاقانه و تصمیم‌گیری اصلی به صورت مستقیم و انحصاری توسط انسان انجام شده و هیچ عنصر تولیدی یا تصمیم‌یار مبتنی بر هوش مصنوعی در تولید محتوا، ساختار، روایت، صدا، تصویر یا سایر اجزای اثر دخالت نداشته باشد.

تعریف عملیاتی: اثر زمانی «تماماً انسانی» تلقی می‌شود که: **فرایند خلق محتوا** (از ایده‌پردازی تا متن/تصویر/صدا) بدون استفاده از مدل‌های مولد انجام شده باشد. **فرایندهای فنی** همچون تدوین، رنگ، صدا، ترکیب‌بندی یا پویانمایی بدون نقش‌آفرینی تولیدی یا خودکار هوش مصنوعی انجام شده باشد. استفاده از ابزارهای نرم‌افزاری معمول (مانند فیلترها، تصحیح رنگ، پاکسازی نویز (اختلال)) صرفاً در حد ابزارهای استاندارد پردازش تصویر/صدا بوده و **هیچ خروجی خلاقانه** توسط هوش مصنوعی تولید نشده باشد. تهیه‌کننده/کارگردان **اظهارنامه عدم استفاده از هوش مصنوعی مولد** را ثبت و امضا کرده باشد.

۲. اثر ترکیبی انسان-هوش مصنوعی

تعریف مفهومی: اثری است که در آن فرایند خلق یا تولید محتوا حاصل تعامل، هدایت یا مشارکت فعال انسان با ابزار یا سامانه‌های هوش مصنوعی است؛ به گونه‌ای که بخش‌هایی از اثر به وسیله مدل‌های هوش مصنوعی تولید، تکمیل، بازسازی یا بهبود شده اما **نقش خلاقانه نهایی، کنترل هویت اثر و تصمیم‌گیری محتوایی در اختیار انسان** باقی مانده باشد.

تعریف عملیاتی: اثر زمانی «ترکیبی» محسوب می‌شود که: **یکی از مراحل خلق اثر** (ایده‌پردازی، نگارش، طراحی بصری، تولید صدا، تدوین، دوبله، شخصیت‌سازی دیجیتال (رقومی)، پویانمایی، مدل‌سازی سه‌بعدی) با کمک یک مدل هوش مصنوعی مولد انجام شده باشد. نقش انسان در تولید شامل **انتخاب، جهت‌دهی، ویرایش، اصلاح یا تأیید خروجی ابزار هوشمند** باشد. بخش غالب هویت خلاقه اثر (روایت، سبک، ساختار، مضمون، ایده یا اجرا) توسط انسان تعیین و هدایت شود. تولیدکننده موظف باشد **بیانیه شفافیت هوش مصنوعی** ارائه دهد؛ مراحل استفاده از ابزار هوش مصنوعی را ذکر کند؛ میزان سهم خروجی مولد را به صورت درصدی تخمین بزند.

۳. اثر تماماً ماشینی/مولد

تعریف مفهومی: اثری است که تمامی یا بخش غالب عناصر خلاقه آن (متن، تصویر، صدا، حرکت، پویانمایی، موسیقی، روایت و...) بدون مداخله یا هدایت خلاقانه انسان و صرفاً توسط یک یا چند مدل هوش مصنوعی مولد ایجاد شده باشد؛ به گونه‌ای که نقش انسان تنها محدود به ارائه پرامپت (ابزار متنی دستورالعمل دادن به هوش مصنوعی)، اجرای فرمان، انتخاب خروجی یا ترکیب نتایج باشد.

تعریف عملیاتی: اثر زمانی «تماماً ماشینی» تلقی می‌شود که **هسته خلاقه اثر** (کانسپت)، داستان، طراحی، گفتگو (دیالوگ)، شخصیت (کاراکتر)، تصویر یا صدا توسط مدل هوش مصنوعی تولید شده باشد. نقش انسان در فرایند تولید محدود باشد به وارد کردن متن یا توضیح، انتخاب خروجی، تنظیم مؤلفه (پارامتر)ها و ترکیب نتایج بدون اعمال خلاقیت مستقل. مدل هوش مصنوعی **منابع داده آموزشی نامشخص یا غیرقابل کنترل** داشته باشد. اثر فاقد «نقش خلاقانه انسانی مستمر» در طول تولید باشد. انتشار آن به **برچسب گذاری صریح، شفافیت** درباره مدل‌های مورد استفاده و رعایت حقوق صاحب‌داده‌ها و پدیدآورندگان آثار آموزشی مشروط باشد.



- [1] <https://www.theguardian.com/culture/2023/jul/26/netflix-ai-job-hollywood-strikes>.
- [2] Cunningham, S., & Craig, D. (2019). Creator Governance in Social Media Entertainment. *Social Media + Society*, 5(4).
- [3] Lobato, R., & Lotz, A.D. (2020). Imagining Global Video: The Challenge of Netflix. *JCMS: Journal of Cinema and Media Studies* 59(3), 132-136.
- [4] Gillespie, Tarleton. (2018). Custodians of the Internet: Platforms, Content Moderation, and the Hidden Decisions That Shape Social Media.
- [5] Zuboff, Shoshana. *The Age of Surveillance Capitalism: The Fight for a Human Future at the New Frontier of Power*. New York: PublicAffairs, 2019.
- [6] UNESCO. (2021). *Recommendation on the Ethics of Artificial Intelligence*. Retrieved from <https://unesdoc.unesco.org>.
- [7] van Dijck et al., 2018 van Dijck, José, Thomas Poell, and Martijn de Waal, *The Platform Society* (New York, 2018; online edn, Oxford Academic, 18 Oct. 2018) Markets, Globalization & Development Review.. [8] Tian, Y., Zhou, H., & Liu, C. (2024). Are large language models capable of generating human-level narratives? arXiv. <https://arxiv.org/abs/2407.13248>.
- [8] Bennett, C. J., & Raab, C. D. (2020). *The governance of privacy: Policy instruments in global perspective* (2nd ed.). MIT Press.
- [9] Cunningham, S., & Craig, D. (2021). *Creator culture: An introduction to global social media entertainment*. NYU Press.
- [10] European Commission. (2022). *Proposal for a regulation laying down rules on artificial intelligence (Artificial Intelligence Act)*. Publications Office of the European Union.
- [11] Kuhlmann, S., & Rip, A. (2018). Next-generation innovation policy and grand challenges. *Science and Public Policy*, 45(4), 448–454.
- [12] Lobato, R. (2019). *Netflix nations: The geography of digital distribution*. NYU Press.
- [13] Napoli, P. M. (2023). *Media tech policy: Issues and innovations*. Oxford University Press.
- [14] NIST. (2023). *Artificial Intelligence Risk Management Framework (AI RMF 1.0)*. National Institute of Standards and Technology.
- [15] OECD. (2020). *OECD regulatory impact assessment: Best practices in technology governance*. OECD Publishing.
- [16] OECD. (2021). *OECD AI principles and policy observatory: Artificial intelligence policy*

and governance report. OECD Publishing.

[17] Smith, M. D., & Telang, R. (2022). *Streaming, sharing, stealing: Big data and the future of entertainment*. MIT Press.

[18] UNESCO. (2023). *Recommendation on the Ethics of Artificial Intelligence*. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.

[19] Anderson, S., & Gentry, R. (2023). Generative visual AI in previsualization: The rise of tools like Midjourney in media production. *Journal of Visual Computing in Media*, 12(2), 112–128.

[20] Equity UK, 2025 generative AI. <https://www.equity.org.uk/advice-and-support/know-your-rights/ai-toolkit/dont-sign-on-set-film-tv-advice-on-digital-likeness-scanning-voice-capture-and-generative-ai>

[21] Crawford, K. (2021). *Atlas Of AI*. Yale University Press. <https://doi.org/10.12987/9780300252392> [12] SAG-AFTRA. (2023).

[22] Basic agreement with AMPTP including AI protections for performers in TV/theatrical contract. SAG-AFTRA and AMPTP.

[23] European Commission. (2024). *Regulation (EU) .../2024 of the European Parliament and of the Council laying down harmonised rules on artificial intelligence (Artificial Intelligence Act)*. Official Journal of the European Union.

[24] CAC, 2023 Cyberspace Administration of China, Ministry of Industry and Information Technology, & Ministry of Public Security. (Effective January 10, 2023). Interim Measures for the Management of Deep Synthesis Internet Information Service. China.

[۲۵] شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۴۰۰). سند ملی توسعه هوش مصنوعی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

[۲۶] سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر (ساترا). (۱۴۰۲). مقررات هوش مصنوعی در رسانه‌های صوت و تصویر.

[۲۷] قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، تاریخ تصویب: ۱۳۴۸/۱۰/۱۱، مرجع تصویب: مجلس شورای اسلامی.

[۲۸] قانون جرایم رایانه‌ای، تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۰۳/۰۵، مرجع تصویب: مجلس شورای اسلامی.

گزیده سیاستی

توسعه مسئولانه و فرهنگ‌محور فناوری هوش مصنوعی در حوزه نمایش خانگی در کشور نیازمند تدوین سند مکمل فرهنگی برای هوش مصنوعی، استقرار نهاد تنظیم‌گر حرفه‌ای، شفاف‌سازی الگوریتم‌ها، ایجاد پایگاه داده فرهنگی، حمایت از ابزارهای خلاق، آموزش صنوف است.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir